

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۵

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال اول

مقالات

- تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها
 - تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای
 - مطالعه تطبیقی ماهیت و مبنای مسئولیت متصدیان حمل و نقل
 - استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری
 - راهکار تعقیب متهمان به جنایات جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون
 - آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران
 - قلمرو استدلال قیاسی با نقدی بر روش‌شناسی قیاس جزایی در فقه
 - انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران
 - نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب
 - اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها
- موضوع ویژه: جایگاه و کارکرد سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی
- درآمدی بر موضوع ویژه
 - وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
 - تعامل سازمان‌های غیردولتی با سازمان جهانی تجارت
 - تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»
 - مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین‌تغییر
 - نقش انجمن‌ها در حمایت حقوقی از معلولان با نگاهی به قضیه «پروش»
 - موانع تشکیل و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران
- ## نقد و معرفی
- قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها
 - تحدید حق دادخواهی دانشگاهیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی!؟
 - نگاهی به تازه‌ترین دادنامه پرونده خون‌های آلوده





انعقاد معاهدات

معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران تقابل یا همسازی نظام حقوقی بین‌المللی با نظام حقوقی داخلی ایران

محمد قربان پور* - سهیلا حامد**

چکیده: توسعه رو به افزایش روابط کشورها در عرصه جهانی، لزوم انجام تمهیداتی را در خصوص تسهیل این روابط با هدف از میان برداشتن موانع موجود و اشکالاتی که لاجرم از قبل این تحولات در روابط میان کشورها و اتباعشان ایجاد می‌شود را ضروری می‌نماید. در این میان جنبه مخرب این روابط، تسهیل فرار مجرمان فراری از عدالت است که لزوم همکاری بیشتر کشورها در مقابله با این پدیده‌های مخرب را می‌طلبد. این رویدادها کشورها بر آن می‌دارد تا برای مقابله با این جرایم و کیفر مجرمان و تسهیل در تعقیب و محاکمه آنان به همکاری‌های قضایی در این خصوص روی آورند. حاصل این نوع نگرش، انعقاد معاهدات معاضدت قضایی است. این معاهدات بر اساس اصولی از حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل عمومی، با توافق کشورها منعقد می‌شوند. در این میان در جمهوری اسلامی ایران به دلیل نظام حقوقی مختص به آن و تفسیر خاص شورای نگهبان از شرع، روند نهایی شدن این توافقات، با مشکلات چندی مواجه می‌شوند. ایرادات شورای نگهبان در عمل، رد اصول حاکم بر انعقاد این معاهدات است اما با این حال ضرورت همکاری‌های قضایی میان ایران با سایر کشورها، مراجع

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

** رئیس اداره معاهدات دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه

مربوطه را بر آن می‌دارد تا با تمکین به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و از طریق مکانیزم مجمع تشخیص مصلحت نظام، اقدام به تأیید مصوبه مجلس نمایند. نقش شورای نگهبان در بیان ایرادات کلی نسبت به برخی از معاهدات و تأیید برخی دیگر با محتوای مشابه، بدون بیان ایراد نسبت به آنها جالب توجه است.

کلیدواژه‌ها: معاضدت قضایی، نیابت قضایی، مبادله اطلاعات و اسناد، انتقال محکومان، انتقال دادرسی، استرداد مجرمان، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقدمه

در جهان کنونی که شاهد توسعه روابط و گسترش مناسبات میان کشورها می‌باشیم و مرزها معنایی دیگر یافته است، جهان با تسهیلات فراوانی در زمینه توریسم، تجارت، مطالعات، تحقیقات علمی و سایر مسائل و مناسبات بین‌المللی روبرو گشته است. ایجاد ارتباط بین کشورها در ابعاد مختلف اجتناب‌ناپذیر است و اوضاع و احوال حاکم بر کشورها و دنیای متمدن کنونی ایجاب می‌کند که کشورها جهت حل مسائل و رفع مشکلات خود بیش از پیش به تعاون و معاضدت با یکدیگر بپردازند.

لزوم برقراری روابط میان کشورها، رخداد مسائلی گوناگون را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از جمله آنها تردد اتباع کشوری در کشور دیگر است که خود منشا تحولاتی چند در مسائل حقوقی و قضایی میان کشورها می‌گردد.

با نگاهی گذرا به تحولات داخلی و آنچه که در عمل یک تبعه و شهروند با آن مواجه است، به این حقیقت بر می‌خوریم که او ناگزیر از مراودات بازرگانی و تجاری با دیگر شهروندان و افراد ساکن در کشور خود می‌باشد. از طرفی در این رهگذر با مسائل چندی در زمینه‌های حقوقی و مدنی دست به‌گیریان می‌شود، مثلاً قصد ازدواج دارد و یا باید برای انجام معامله با دیگران اهلیت لازم را داشته باشد. در این اثنا خواسته یا ناخواسته ممکن است مرتکب جرمی هم بگردد که لاجرم مستوجب محاکمه و مجازات خواهد بود.

پر واضح است که چنین شخصی در کشور دیگر از برخورد با چنین مسائل و مشکلاتی دور نبوده و با مقدار کم یا زیاد، دست به‌گیریان آنها خواهد بود. لذا کشورها بنا بر علائق و بر اساس سیاست‌های خود اقدام به همکاری در زمینه حل اینگونه مسائل میان یکدیگر می‌نمایند. از سوی دیگر ظهور آفت قرن جدید یعنی تروریسم، که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وارد دوره

جدیدی شده است، جامعه بین‌الملل را به واکنشی نو در مقابل خطرات حاصل از جرایم بین‌المللی که به وضوح مرزهای کشورها را در می‌نوردد، واداشت. در این سو، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های متعدد از کشورها می‌خواهد که همکاری‌های قضایی بین‌المللی خود را در این عرصه گسترش دهند.^۱

به‌طور کلی کشورها به طرق مختلف مبادرت به همکاری قضایی میان یکدیگر می‌نمایند که از آن جمله انعقاد «معاهدات معاضدت قضایی» می‌باشد. اما زمانی که چنین معاهداتی در میان نباشند اصولاً کشورها از طریق «نیابت قضایی»^۲ در قالب عمل متقابل اقدام به همکاری در این خصوص می‌نمایند.

شکی نیست که معاهده با ثبات‌ترین و قابل‌استنادترین منبع از میان منابع حقوق بین‌الملل است. در معاضدت قضایی نیز معاهدات نقش اصلی را در ایجاد حق و تکلیف میان دولت‌ها ایفا نموده و در بسیاری از موارد تنها منبع قابل‌استناد در این زمینه بشمار می‌آیند.

جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه مبادرت به انعقاد معاهدات معاضدت قضایی بسیاری در زمینه‌های همکاری کیفری - و خصوصاً در زمینه استرداد مجرمان - و همکاری‌های حقوقی، مدنی و بازرگانی نموده که جملگی دوجانبه بوده‌اند، از طرف دیگر به معاهدات چند جانبه بین‌المللی در این خصوص هم پیوسته که از جمله مهم‌ترین آنها، کنوانسیون ملل متحد علیه قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۱۹۸۸ است.

از آنجا که انعقاد معاهدات مذکور در نظام حقوقی ایران، به دلیل ایرادات وارده از سوی شورای نگهبان به آنها، سیری متفاوت و طولانی را جهت لازم‌الاجرا شدن می‌پیمایند، لذا ارگان‌های ذیربط خصوصاً در قوه قضائیه برآند تا موافقتنامه‌های معاضدت قضایی با سایر کشورها به نحوی تنظیم گردد که کمتر مورد ایراد شورای نگهبان واقع و حتی الامکان از ارسال به مجمع تشخیص مصلحت نظام بی‌نیاز گردد. با این حال محتوای خاص این قبیل معاهدات که به نوعی با حوزه عملکرد شرع تداخل می‌یابند، مانع جدی تأیید تصویب مجلس توسط شورای نگهبان می‌شوند. حال سؤال این است که آیا تصویب معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران، به عنوان یکی از مراحل انعقاد معاهدات، حاصل همسازی میان استانداردهای بین‌المللی و معیارهای نظام حقوقی داخلی است؟ خواهیم دید که نهایتاً ناگزیر بودن همکاری در زمینه‌های مذکور لزوم تصویب چنین

۱. نک: قطعنامه ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت موجود در:

<http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/NO1/551/43/PDF/NO155143.pdf?openElement>

2. Letters rogatory

معاهداتی را توجیه نموده و همان موازین شرعی در نهایت از طریق مکانیزم مجمع تشخیص مصلحت نظام و در قالب مفهوم «رعایت مصلحت» با تأیید مصوبه مجلس، بیهوده بودن گذر از راهی که از ابتدا ضرورتی در طی نمودن آن وجود نداشت را نمایان می‌کنند و به نوعی خود را با نظامات پذیرفته شده بین‌المللی منطبق می‌سازند.

در این مختصر از دو نوع کلی همکاری قضایی در امور مدنی و جزایی، صرفاً به معاهدات معاضدت قضایی در زمینه کیفری پرداخته خواهد شد.

بخش اول: مفهوم، ماهیت و ساختار معاهدات معاضدت قضایی

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، معاضدت قضایی عبارت است از یک سلسله همکاری‌هایی که دولت‌ها در روابط متقابل خود به یکدیگر ارائه می‌دهند تا رسیدگی قضایی در کشور دیگر را که به نحوی مرتبط با اموری در دولت آنهاست تسهیل نماید.^۳ در معنای دیگر معاضدت قضایی (International Legal (Judicial) assistance) عبارت از مساعدت یک دولت به دولت دیگر در امور قضایی طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی، قراردادهای منطقه‌ای یا دو جانبه و یا بر اساس عرف یا نزاکت بین‌المللی است. حال باید دانست علت این همکاری چیست؟

اصل حاکمیت ملی متضمن این مفهوم است که هیچ دولتی نمی‌تواند در داخل قلمرو دولت دیگر اعمال حاکمیت کند. این امر من جمله در خارج از کشور که طبق قانون دولت خارجی، ماهیتاً یک عمل عمومی (دولتی) محسوب می‌شود، صادق است.^۴ معهداً رعایت ملاحظات کلی مبتنی بر عدل و انصاف مانع از آن است که دعوی در کشوری اقامه شود، بدون آنکه خواننده آن دعوا که در کشوری دیگر مقیم است عملاً از جریان دادرسی مطلع گردد. به علاوه لزوم رسیدگی دادگاه به کلیه

3. Rudolf Geiger, "Legal Assistance", International Law Encyclopedia, vol. 9, Amsterdam, Elsevier, 1985, p. 242.

۴. «معاهده ۱۹۶۹ درباره آثار فراسرزمینی معاهدات اصلاً سخنی به میان نیاورده است، حال آنکه در بسیاری از معاهدات از نحوه اعمال صلاحیت دولت در خارج از سرزمین تحت حاکمیت ملی گفتگو شده است. این صلاحیت‌ها بر صلاحیت ملی دولت‌ها متکی است؛ البته در آنجا که موضوع این معاهدات تعمیم صلاحیت ملی به سرزمین دولت‌های خارجی باشد، می‌توان گفت که این معاهدات جنبه اسنادی [اسناد صلاحیت] دارند، زیرا موجب استثنائی بر اصل انحصاری بودن حاکمیت سرزمینی دولت‌ها هستند. معاهدات مربوط به (معاضدت قضایی میان کشورها و از جمله نمونه بارز آن یعنی) استرداد مجرمین، نمونه‌هایی از این قبیل معاهدات به شمار می‌آیند.» به نقل از:

J. Combacau, S. Sur, *Droit international public*, Monchrestien, 1995, p. 153.

به نقل از: هدایت الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۶۲.

وقایع یک پرونده در نیل به تصمیم ممکن است احراز واقعیت‌هایی را در کشور دیگر ایجاد کند.^۵ بنا به دلایل فوق کشورها ناگزیر از نوعی همکاری از نوع قضایی در خصوص رفع این مشکلات می‌باشند.

پس به طور کلی و با جمع بندی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که معاضدت قضایی عبارت است از:

«مجموعه‌ای از روش‌ها و تکنیک‌های خاص که طی آن دولت‌ها در زمینه امور قضایی با همدیگر همکاری نموده و دامنه عمل محاکم خود را در سرزمین‌های یکدیگر گسترش می‌دهند.»

۱- شیوه‌های مختلف همکاری قضایی میان کشورها

۱-۱- همکاری قضایی غیرمعاهده‌ای

این نوع همکاری از طریق ارسال نیابت قضایی صورت می‌گیرد. نیابت قضایی، درخواستی است که یک قاضی جهت قاضی دیگر در کشور خارجی ارسال می‌دارد و از او در خصوص درخواست مورد نظرش کمک و همکاری می‌طلبد. نیابت قضایی اصولاً بر مبنای عمل متقابل صورت می‌پذیرد که حداقل باید مبنای قانونی این همکاری‌ها در قوانین داخلی دولت‌ها موجود باشد.

تقریباً بیشتر کشورها در قوانین و مقررات خود جهت اجرای نیابت قضایی یا اجازه به قضات در جهت اجرای آن که بر اساس نزاکت^۶ است، مواردی را قید نموده‌اند. مثلاً در ایالات متحد قسمت ۱۷۸۲، عنوان ۲۸ از قانون ایالات متحد به این موضوع اختصاص یافته است. در ایران در مورد نیابت قضایی بین‌المللی، قانونی در تاریخ ۲۴ تیر و ۲ مرداد ماه سال ۱۳۰۹ تحت عنوان قانون تعاون قضایی به تصویب رسیده است که می‌گوید: «محاکم عدلیه و مستنطقین ایران می‌توانند تقاضاهایی را که از طرف محاکم و یا مستنطقین ممالک خارج به استماع شهادت شهود و یا تحقیقات دیگر از این قبیل از آنها تقاضا می‌شود انجام دهند مشروط بر اینکه محاکم و مستنطقین مملکتی نیز که این تحقیقات را تقاضا می‌نمایند نظیر این تقاضا را از طرف محاکم و مستنطقین ایران بپذیرند.»

۱-۲- همکاری قضایی معاهده‌ای

شیوه دیگری از همکاری قضایی قابل بررسی میان کشورها، معاهدات دو یا چندجانبه است.

5. Rudolf Geiger, *op. cit.*, p. 240.

6. Comity

خاصیت اینگونه همکاری‌ها، وجود بار تعهد بر دولت‌ها در اعمال حداکثر همکاری در این زمینه است. در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای در انعقاد معاهدات چندجانبه در مبارزه با جرایم مشخص مشاهده شده است.

همکاری‌های قضایی معاهده‌ای از پنج عنصر و جزء کلیدی که در حدود آن به توافق رسیده می‌شود تشکیل می‌گردند:

(۱) **قلمرو**^۷: هر معاهده معاضدت قضایی دوجانبه به روشنی قلمرو تعهداتی که همکاری بر اساس آن شکل می‌گیرد را مشخص می‌کند. در حقیقت همه درخواست‌هایی که همکاری باید در جهت تأمین آن شکل گیرد، به نحوی مشکلات مربوط به استفاده از روش نیابت قضایی غیرمعاهده‌ای را برطرف می‌کنند. به عبارت دیگر، داخل نمودن موارد درخواست جهت همکاری در معاهدات مذکور، نیاز به استفاده از نیابت قضایی را که در موارد عدم توافق مراجع، راجع به موضوع خاص وجود دارد، برطرف می‌کند.

(۲) **مبانی رد درخواست**^۸: در هر معاهده معاضدت قضایی، معمولاً زمینه‌هایی که همکاری می‌تواند رد گردد، معین می‌شود، معمولاً معاهدات مربوطه اجازه می‌دهند درخواست‌هایی که حاوی جرایم سیاسی^۹ یا یک جرم نظامی^{۱۰} است، و یا درخواستی که قوانین اساسی دولت مورد درخواست را نقض کند، مورد رد واقع شوند. همه معاهدات معاضدت قضایی اجازه رد درخواست‌هایی که منافع ضروری و اساسی دولت درخواست‌شونده شبیه امنیت ملی و یا سیاست عمومی اساسی آن دولت را تهدید می‌کند را می‌دهند.

(۳) **استفاده محدود**^{۱۱}: مطلب دیگر اینکه، معمولاً همه معاهدات معاضدت دوجانبه به روشنی دولت درخواست‌کننده را در استفاده از اطلاعات یا اسنادی که تحت معاهده مذکور برای هر پرونده یا تحقیقی که اسناد و اطلاعات مربوط به خاطر آن تهیه گردیده در مورد موضوع دیگر، ممنوع می‌کنند. این نوع از مقررات به‌خصوص در موضوعات مربوط به استرداد قید می‌گردند و از این نظر به دولت مورد درخواست این اطمینان را خواهند داد که اطلاعات مورد درخواست تنها در خصوص همان هدف مشخص شده استفاده خواهند شد.

7. Scope

8. Bases for Denial

9. Political Offenses

10. Military Offenses

11. Use Limitation

۴) مرجع مرکزی^{۱۲} (جهت انجام هماهنگی‌ها): یکی از موارد کلیدی معاهدات معاضدت قضایی این است که هر طرف باید یک مرجع مرکزی را جهت همکاری‌های مربوطه معین نماید، بدین معنا که یک نماینده یا شخصی را به منظور اجرای درخواست‌های واصل شده از طرف دیگر مشخص نماید. در بسیاری از معاهدات، مرجع مذکور، وزارت دادگستری هر دو کشور می‌باشد.

۵) مصادره اموال^{۱۳}: بیشتر معاهدات معاضدت قضایی دوجانبه، مقرراتی جهت همکاری در مواردی که اموال غیرقانونی به دست آمده در دولت مورد درخواست واقع شده‌اند، مقرر می‌دارند. بسیاری از این معاهدات ترتیباتی را جهت تقسیم اموال مصادره بین اطراف معاهده مقرر می‌دارند.

۲- نحوه تنظیم و انعقاد معاهدات معاضدت قضایی

این دیدگاه وجود دارد که حقوق بین‌الملل دولت‌ها را مکلف به اعطای معاضدت قضایی در جهت پیشبرد عدالت نموده است. معهدا رویه کشورها چنین استدلالی را تأیید نمی‌نمایند. به نظر می‌رسد که وظیفه کلی همکاری بین‌المللی که به موجب حقوق بین‌الملل به عهده دولت‌ها گذارده شده است، فقط آن باشد که تقاضای معاضدت کشور تقاضا کننده، از طرف کشور مخاطب با حسن نیت مورد توجه قرار گیرد. حدود اختیار دولت‌ها در تصمیم به انجام معاضدت قضایی اغلب به وسیله قوانین داخلی آنها تعیین می‌شود،^{۱۴} در صورت فقدان هرگونه تعهد قراردادی، این قوانین چگونگی امر و حدودی را که یک دولت آمادگی انجام چنین معاضدتی را دارد مقرر می‌نمایند.

در حقوق بین‌الملل قراردادی، اکثر معاهدات دوجانبه برای تعیین حقوق و تکالیف مربوطه منعقد گردیده‌اند. این حقوق و تکالیف ممکن است به وسیله عهدنامه‌های استرداد مجرمان، به وسیله عهدنامه‌هایی که ناظر به معاضدت قضایی مخصوصی غیر از استرداد مجرمان می‌باشند، یا به وسیله عهدنامه‌های مربوط به برخی جرایم واجد جنبه بین‌المللی مشخص شوند.^{۱۵}

اما در خصوص نحوه تنظیم و انعقاد معاهدات معاضدت قضایی، از آنجایی که این معاهدات در نوع خود مشابه دیگر انواع معاهدات منعقد توسط دولت‌ها می‌باشند وجه تمایز خاصی میان آنها دیده نمی‌شود، بنابراین ملاحظه می‌گردد که اصول حاکم بر انعقاد آنها خارج از حقوق بین‌الملل

12. Central Authority

13. Asset for Feiture

۱۴. از جمله در ایران، قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ قابل ذکر است.

۱۵. ردولف گیگر، «معاضدت قضایی بین دولت‌ها در مسائل کیفری، دائره‌المعارف حقوق بین‌الملل عمومی»، ترجمه دکتر یحیی اردلان، مجله حقوقی دادگستری، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۲۴، صص ۱۰۶-۱۰۵.

معاهدات و از جمله کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات نیست، جز آنکه در حالت نه چندان استثنایی و شاید با قدری مسامحه بتوان این مطلب را به عنوان تمایز مطرح نمود که معاهدات معاضدت قضایی به دلیل اینکه در خارج از صلاحیت‌های ملی قابل اعمال می‌باشند، معاهداتی با جنبه اسنادی هستند.

بخش دوم: موضوعات مورد توافق در معاهدات معاضدت قضایی در امور کیفری

معاهدات منعقد در خصوص معاضدت قضایی، اصولاً حاوی مواردی از همکاری‌های مختلفی است که مورد توافق طرفین معاهده قرار می‌گیرد. موضوعات مورد توافق از نظر درجه اهمیت و درصد ابتلای آن در معاهدات مذکور با تفاوت و به طرق مختلف مورد اشاره واقع می‌شوند. کشورها بنا به نوع جرایم - بعضی معاهدات فقط در خصوص نوع خاصی از جرم که دارای اهمیت فراوان میان کشورها می‌باشد، انعقاد می‌یابند، مثلاً معاهدات معاضدت راجع به جرایم مرتبط به مواد مخدر - ممکن است، زمینه‌های همکاری خود را مشخص نمایند، یا اینکه مطابق آیین دادرسی فیما بین، موضوعات مرتبط را تعیین می‌نمایند.

۱- انتقال دادرسی^{۱۶}

در زمینه رسیدگی‌های مدنی، بسیاری از دولت‌ها با درخواست «دادگاه نامناسب»^{۱۷} از دادگاه صالح، به عنوان وسیله‌ای که به موجب آن از دادگاهی که بدون تردید صلاحیت رسیدگی به دعوایی را دارد که از این طریق از اعمال صلاحیت خود به نفع دادگاه صالح‌تر امتناع می‌کند، آشنایی دارند. تصمیمی که در این زمینه اتخاذ می‌شود منافع اشخاص خصوصی و همچنین منافع عموم را در اجرای صحیح عدالت مدنظر قرار خواهد داد. در زمینه رسیدگی‌های کیفری متهم حق انتقال دعوای علیه خود به دادگاه‌های دولت دیگر را ندارد. در بسیاری موارد ماهیت اساساً سرزمینی جرم و حقوق جزا در کل با چنین امکانی مخالف است.

احاله دادرسی شامل مواردی است که مقام تعقیب یا مقامات دیگر در یک دولت به این نتیجه رسیده‌اند که بهتر است رسیدگی کیفری، در کشور دیگری صورت گیرد. در احاله دادرسی ممکن است دولتی از دولت دیگر که در آن، رسیدگی کیفری کامل امکان‌پذیر است بخواهد که مسؤلیت

16. Transfer of Preceding
17. Forum Non Conveniens

رسیدگی را بر عهده بگیرد. اگر دولت طرف تقاضا با این درخواست موافقت کند احاله دادرسی کیفری صورت می‌گیرد.^{۱۸}

در خصوص احاله رسیدگی یا انتقال دادرسی از آنجا که مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،^{۱۹} سلب آزادی از اشخاص نیازمند حکم قانونی است و منظور از این عبارت قانون اساسی هم «حکم قانونی صادره از محاکم ایران است» و از سویی در آیین دادرسی کیفری ما نیز اجرای موسع حکم خارجی پیش‌بینی نشده است، ملاحظه می‌شود که احاله بر اساس عمل متقابل انجام شدنی نیست. لذا انجام این نوع همکاری قضایی، نیازمند انعقاد معاهدات دوجانبه یا پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی چند جانبه است^{۲۰} که توسط قوه مقننه به تصویب برسد تا برابر ماده ۹ قانون مدنی ایران، ارزشی برابر قانون داشته باشد و یا در فقدان دو مورد اخیر، از طریق اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری (و یا تصویب قانونی همانند آنچه در خصوص استرداد مجرمان وجود دارد)، امکان عملی انجام انتقال دادرسی که لاجرم ممکن است در آن شخصی نیز توقیف شده باشد مهیا گردد.^{۲۱}

در انتقال یا احاله دادرسی، طرفین قرارداد یا معاهده معاضدت، متعهد به انتقال دادرسی در موقعیت‌هایی می‌شوند که تحویل متهم با مانع روبرو شده است. در این موقعیت، دولتی که متهم در سرزمین او حضور دارد، باید مجموعه اتهامات را بر اساس درخواست دولتی که جرم در سرزمین او ارتکاب یافته است مورد رسیدگی قرار داده و عمل دادرسی را به سرانجام برساند و سپس دولت درخواست کننده را - دولتی که جرم در سرزمین او واقع شده است - از نتایج عمل دادرسی مطلع نماید. به طور خلاصه این نحو عملکرد، بیانگر انعکاس سیاست قدیمی و مفهوم کلاسیک «یا مسترد کن یا مجازات کن»^{۲۲} می‌باشد.^{۲۳}

۱۸. محمدعلی اردبیلی، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین (با تأکید بر جرایم مواد مخدر)، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، ص ۶۷.

۱۹. اصل سی و دوم قانون اساسی: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...»
 ۲۰. حتی اگر احاله دادرسی مشروط به وجود یک معاهده بین‌المللی نباشد، بعضی کشورها ممکن است مذاکره در باب چنین ابزارهایی را در زمینه‌های دیگر مطلوب بدانند. برای مثال، نظر کمیته کارشناسان دولتی که کنوانسیون اروپایی احاله دادرسی در امور جنایی مصوب ۱۹۷۲ را تنظیم کردند بر این است که «اگر چه وجود کنوانسیون بین‌المللی شرط ضروری برای احاله دادرسی نیست، معهذاً وجود آن بسیار مطلوب است. فقط پس از آنکه شیوه مناسبی برای انتقال اطلاعات و ... ایجاد شود، معاضدت متقابل ممکن است توسعه یابد و تقویت شود.» به نقل از: محمد علی اردبیلی، پیشین، ص ۷۰.

۲۱. مصاحبه با آقای دکتر علی آزمایش، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴/۱۱/۲۰.

و نهایتاً باید این حقیقت را اعلام نمود که «انتقال تعقیب و دادرسی به طور آشکار انحراف از اصل سرزمینی بودن (جرم و مجازات) به نفع به رسمیت شناختن و تحقق اصل مسؤولیت بر طبق ملاک تابعیت فردی که مرتکب جرم گردیده است، می‌باشد»^{۲۴}

در خصوص «انتقال دادرسی» با بررسی‌هایی که نگارنده در موافقتنامه‌های معاضدت قضایی منعقد شده میان ایران و دیگر کشورها - چه آنها که به مرحله رسمی و قطعی رسیده‌اند و چه آنان که هنوز در مراحل تصویب هستند - نموده است، هیچگونه توافقی در خصوص احاله یا انتقال دادرسی مشاهده ننمود. تنها مورد ماده ۸ «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸»^{۲۵} (قانون مصوب ۳ آذر ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی) است که این ماده نیز هیچ الزامی برای دولت‌ها در احاله دادرسی در هیچ مورد به‌خصوصی ایجاد نمی‌کند. شورای نگهبان مصوبه مجلس را که در سوم آذرماه هزار و سیصد و هفتاد به تصویب رسیده بود در تاریخ هفدهم آذرماه همان سال تأیید نمود، بدون اینکه ایرادی از لحاظ مغایرت آن با موازین شرع بر آن وارد آورد.^{۲۶}

آنچه که در احاله دادرسی کیفری مسلم است این است که دادرسی احاله شده بر اساس توافق، مطابق قانون طرف تقاضا خواهد بود و لاجرم، درخواست احاله دادرسی هنگامی اجابت می‌شود که عملی که درخواست بر آن مبتنی است، در صورت ارتکاب در قلمرو دولت طرف تقاضا جرم باشد.^{۲۷}

23. George Ginsburgs, "The Soviet Union and International Co-operation in Penal Matters", *International and Comparison Law Quarterly*, Vol. 41, part 1, January 1992, p. 108 cited from: L. Gardoki, "Mezhdunodnoe Sotrudnichestvo Po Ugolovnym delma" (1979) 6 *Sotsialistichesk Kaia Zakonnost* 62 at p. 61.

24. George Ginsburgs, *op. cit.*, p. 107.

25. United Nations Convention against Illicit traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 20 December 1988.

۲۶. خواهیم دید که در دیگر موارد همکاری قضایی به‌خصوص انتقال محکومان، شورای نگهبان با این استدلال که این موافقتنامه‌ها «حاوی موادی است که مستلزم تأیید صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور مقابل است و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها و لو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، لذا آنها را خلاف موازین شرع شناخته است». نک: نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۸۶۹۲ مورخ ۸۵/۹/۲۳ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه معاهده انتقال محکومان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین.

۲۷. اما باید دانست که احاله دادرسی از کشوری به کشور دیگر، با رعایت شرایطی چند صورت خواهد پذیرفت. به عبارت دیگر هر دولتی نمی‌تواند متقاضی احاله دادرسی بوده و یا به هر دولتی نمی‌توان ادامه دادرسی را احاله نمود. عمدتاً در توافقات صورت گرفته میان کشورها، شرایط انجام این امر مورد اشاره و توافق قرار می‌گیرد. به طور کلی شرایط مذکور را به قرار زیر می‌توان بیان نمود: ۱- هرگاه شخص مظنون به طور عادی مقیم دولت طرف تقاضا باشد.

به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از اطاله دادرسی، تا آنجا که با قوانین دولت طرف تقاضا منطبق باشد، هر اقدامی که در دولت متقاضی به منظور رسیدگی یا حسب نیازهای آیین دادرسی مطابق قوانین آن دولت انجام شده باشد همان اعتبار را در دولت طرف تقاضا با فرض وقوع آن در دولت مذکور یا انجام آن توسط مقامات این دولت داشته باشد.^{۲۸}

۲- انتقال محکومان برای طی دوره مجازات حبس

همه ساله، بسیاری از اتباع کشورها در کشورهای دیگر به علل مختلف دستگیر می‌شوند که از میان آنها تعداد معتنابهی ممکن است محکوم شوند. این مطلب، از دو جنبه قابل بررسی و مذاقه است. اول از نظر نزاکت و شخصیت بین‌المللی کشوری است که تبعه او مورد محکومیت قرار گرفته است. لذا کشور اخیر را بر آن می‌دارد تا نسبت به انتقال اتباع خود به موطن اصلی - هرچند برای باقیمانده دوره محکومیت - اقدام نماید. ثانیاً اینکه اتباع محکوم کشور دیگر، در کشور محل محکومیت بسر می‌برند که حداقل اثر این حضور، اشغال فضای زندان‌ها و هزینه‌ای است که دولت اخیر برای نگهداری شخص محکوم باید متحمل شود. لذا از آنجا که کشورها سودمندی اجرای این مجازات‌ها را، در گذراندن آن در قلمرو کشور متبوع زندانی می‌دانند و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اصلاح و اعاده محکومان به زندگی عادی و نیز تأکید بر همکاری‌های قضایی بیشتر و گسترش عدالت و اعاده حیثیت اجتماعی محکومان، اقدام به انعقاد توافقی میان یکدیگر در خصوص «انتقال محکومان جهت طی دوره مجازات در کشور متبوع خود» می‌نمایند. این است که تقاضای انتقال ممکن است از طرف دولت محکوم کننده یا دولت اجرا کننده حکم، درخواست

۲- هرگاه شخص مظنون تبعه دولت طرف تقاضا باشد یا دولت طرف تقاضا دولت اصلی شخص مظنون باشد. ۳- هرگاه شخص مظنون در حال تحمل حکم مجازات سالب آزادی در دولت طرف تقاضا باشد یا قرار باشد چنین مجازاتی را در دولت مزبور تحمل کند. ۴- هرگاه رسیدگی‌ها به اتهام همان جرم یا جرایم دیگر در دولت طرف تقاضا در جریان باشد. ۵- هرگاه چنین به نظر رسد که احاله دادرسی در راستای رسیدن به حقیقت صورت می‌گیرد و به‌ویژه مهم‌ترین عناصر ادله در دولت طرف تقاضا قرار دارند. ۶- هرگاه چنین به نظر برسد که اجرای حکم محکومیت در دولت طرف تقاضا امید به بازپروری اجتماعی شخص محکوم علیه را بیشتر خواهد کرد. ۷- هرگاه چنین به نظر رسد که حضور شخص مظنون را در دولت مورد تقاضا برای جلسات رسیدگی نتوان تضمین کرد ولی حضور شخص او را برای جلسات رسیدگی در دولت متقاضی بتوان تضمین نمود. ۸- هرگاه چنین به نظر برسد که نتوان حکم محکومیت را در صورت صدور حتی با توسل به استرداد اجرا نمود ولی دولت طرف تقاضا می‌تواند اجرا کند.

European Convention on the Transfer of Proceeding in Criminal Matters, Strasbourg, 15 May 1972, Article 8.
28. See: UN Model Treaty on the Transfer of Proceeding in Criminal Matters, New York, 14 December 1990, Article 5.

گردد.^{۲۹}

با بررسی قوانین و مقررات داخلی دولت‌ها و نیز معاهدات همکاری قضایی، این نتیجه حاصل می‌شود که تقریباً هیچ قانون یا معاهده‌ای که اجازه اجرای محکومیت‌های مالی را در موضوعات کیفری به کشور متبوع محکوم علیه بدهد وجود ندارد. در عوض در یافتن قواعد قانونی و معاهدات فیما بین که اجازه اجرای احکام خارجی تحمیل کننده محرومیت از آزادی را می‌دهد، هیچ مشکلی وجود ندارد. از آنجایی که نگهداری محکوم به حبس، مستلزم اقدام به انتقال محکوم علیه به کشور خود می‌باشد، از اینرو دولت‌ها بیشتر و بیشتر متمایل به اجرای احکام خارجی شده‌اند. کنوانسیون اروپایی انتقال محکومان به حبس ۱۹۸۳، مصوب شورای اروپا به این مطلب می‌پردازد. این اسناد بر مبنای «اصل تابعیت» تنظیم گردیده است.^{۳۰}

در خصوص انتقال محکومان به حبس همانند انتقال دادرسی، از دو طریق قانون خاص یا معاهده دو یا چند جانبه اقدام نمود. در هر صورت برای انتقال محکومان به حبس نیز نیازمند حکم صادره محکمه ایرانی با عنوان حکم قانونی سلب آزادی هستیم که در فقدان معاهده و کنوانسیون و عدم ذکر آن در قانون، امکان توسل به عمل متقابل وجود نخواهد داشت.

اما در جریان امر انتقال محکومان، اولین مرحله، نحوه اطلاع طرفین ذیصلاح در مورد وجود تبعه محکوم در کشور دیگر است. مرحله دوم ترتیبات اتخاذی جهت انتقال زندانیان میان کشورها، بررسی این مطلب است که آیا شخص زندانی مایل و راضی به این انتقال هست یا خیر. چنانچه فرد زندانی به این انتقال رضایت ندهد، ادامه همکاری منتفی است اما چنانچه به این موضوع رضایت دهد، مرحله دیگری هم باید حاصل شود و آن اینکه هر دو دولت صادر کننده و اجرا کننده حکم نیز به این انتقال رضایت دهند. مرحله بعدی از مراحل انتقال محکوم علیه این است که طرفین اطلاعات کتبی در خصوص صدور حکم و محل سپری نمودن مدت حبس را در مورد اتباع یکدیگر مبادله نمایند.^{۳۱}

29. George Ginsburgs, *op. cit.*, p. 84.

۳۰. برای اطلاعات بیشتر، نک: علی خالقی، «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳، صص ۳۵-۱۵.

۳۱. دیگر شرایط مورد نیاز جهت انتقال زندانی عبارتند از:

- حکم صادره باید طبق قانون دولت صادر کننده حکم قطعی و لازم‌الاجرا باشد،

- مدت زمان معینی از میزان محکومیت زندانی باقی مانده باشد و یا همان مدت زمان معین از دوره محکومیت خود را در کشور صادر کننده حکم طی کرده باشد. به عنوان نمونه در معاهدات اینگونه توافق می‌شود: «باقیمانده مجازات موضوع حکم صادره بیش از ۶ ماه حبس باشد».

پس از انتقال شخص محکوم، اولین اقدام، اجرای حکم در قلمرو دولت اجرا کننده است. در این رابطه دو شیوه برخورد کاملاً متفاوت از سوی کشورها اتخاذ می‌شود، یا از روش «استمرار اجرای حکم»^{۳۲} استفاده می‌گردد، یا روش «تبدیل محکومیت».^{۳۳} اینکه کدام روش برای اجرای حکم انتخاب می‌گردد، احتمالاً خود یک نکته مهم برای زندانیان، زمانی که قصد تصمیم‌گیری نسبت به انتقال خود را داشته باشند، می‌باشد.^{۳۴}

الف) استمرار اجرای حکم

بر اساس روش اتخاذی اخیر، حداکثر مجازات متعاقب انتقال، که آن قسمتی از حکم محکومیت می‌باشد که پس از کسر هرگونه عفو و گذشتی در کشور صادر کننده حکم و پیش از زمان انتقال تحصیل گردیده، اجرا خواهد گردید. احتمالاً اگر در کشور محل اجرای حکم، هرگونه عفو و گذشتی وجود داشته باشد، نسبت به کسر مدت محکومیت محکوم علیه اقدام خواهد شد. در پیشنهادهای اتحادیه اروپا^{۳۵} چنین آمده است:

«اگر محکومیت صادره طولانی‌تر یا از نظر ماهیت، متفاوت از محکومیت در خصوص جرم مشابهی در کشور محل اجرا باشد، این امکان وجود دارد که نزدیکترین معادل حکم محکومیت که بر اساس قانون محل اجرای حکم می‌باشد، بدون اینکه طولانی‌تر از حکم صادره اصلی باشد، اتخاذ گردد. پیشنهاد این چنینی، ما را مواجه با این مطلب می‌کند که با حکمی روبرو شویم که قسمتی از آن اجرا

- عملی که درباره آن حکم صادر شده است، باید طبق قوانین دولت اجرا کننده، جرم محسوب شود،

- هرگاه شخص، تابعیت دولت اجرا کننده حکم را داشته باشد.

- بعضی کشورها معتقدند، علی‌رغم اینکه محکوم علیه باید تابعیت دولت اجرا کننده حکم را داشته باشد، ضمناً نباید به مدت طولانی در کشور صادر کننده حکم اقامت داشته یا در آن کشور تحت عنوان مهاجر حضور داشته باشد. آنان دلیل این اعتقاد را بر این می‌دانند که کسی که مدت زیادی در یکی از کشورها حضور داشته و اقامت گزیده، لاجرم وابستگی و علائق کافی جهت ارتباط با آن سرزمین را به دست آورده است. لذا «درهم گسیختگی این روابط با انتقال شخص محکوم علیه به کشوری که با او تنها رابطه تابعیتی دارد، می‌تواند شخص محکوم را در موقعیتی نابرابر در مقایسه با دیگر زندانیان قرار دهد».

- ضرر و زیان مادی ناشی از جرم باید تأمین یا پرداخت شود.

32. Continued enforcement procedure

33. Conversion of sentence procedure

34. David Biles, "The International Transfer of Prisoners", Aus TRALAN INSTITUTE OF CRIMINOLOGY, July 1992, p. 3, access at: <http://aic.gov.au/publication/tandi/ti38.pdf>.

و قسمتی از آن تغییر یافته است.^{۳۶}

اما همین پیشنهاد در قالب کنوانسیون انتقال زندانیان مصوب شورای اروپا بدین صورت ذکر شده است:

«اگر محکومیت از نظر ماهیت یا مدت با قانون کشور اجرا کننده حکم مغایر باشد و یا قانون این کشور چنین ایجاب کند، آن دولت می‌تواند از طریق دادگاه یا صدور دستور اجرایی، مجازات لازم برای تنبیه یا اقدام پیش‌بینی شده در قوانین خود را در قبال جرم مشابه، تعیین کند.»

در این روش که محکومیت صادره برای مجرم، بر اساس و مبنای رأی دادگاهی که در آن محاکمه شده اجرا می‌گردد، دادگاه کشور مجرم، خود بر مبنای حکمی که در کشور محاکمه کننده تبعه او صادر شده، تصمیمی در جهت اجرای آن حکم اتخاذ می‌کند که تصمیم اخیر بر مبنای قانون کشور تبعه اتخاذ می‌گردد. اگر قانون کشور تبعه، مجازات حبس را تعیین نماید، که حداکثر آن کمتر از مجازات صادره برای او باشد، دادگاه همان مجازات کمتر را محاسبه نموده و اجرا می‌نماید. بنابراین مجازات باید تحت اوضاع و احوال معینی کاهش یابد، اما هرگز افزایش نخواهد یافت، حتی اگر قانون کشور تبعه، مجازات سنگین‌تری را جهت آن جرم منظور نموده باشد.^{۳۷} در کنوانسیون ۱۱ مه ۱۹۷۸ راجع به انتقال محکومان به سلب آزادی آمده است:

«در جایی که در قانون کشور تبعه، برای انجام عمل ارتكابی مجازات حبس تعیین نشده باشد، کشور اخیر تلاش خواهد نمود، مجازاتی که انطباق و شباهت بیشتری با مجازات مقرر در حکم صادره را داراست، اتخاذ نماید.»

همین مطلب به گونه‌ای دیگر در موافقتنامه بین دولت هونگ کونگ و بریتانیا و ایرلند شمالی برای انتقال محکومان بدین صورت آمده است که:

«چنانچه حکم صادره از نظر ماهیت و مدت محکومیت با قانون دولت انتقال گیرنده، در ناهماهنگی باشد، طرف اخیر می‌تواند، با رضایت دولت انتقال دهنده، حکم صادره را مطابق با قانون خود برای جرم مشابهی تعدیل نماید...»

ب) تبدیل محکومیت

کشورهایی که این روش را در آیین دادرسی خود انتخاب می‌کنند، مجدداً باید شخص محکوم را

36. *Ibid.*

37. George Ginsburgs, *op. cit.*, p. 90.

توسط یک دادگاه مناسب در کشور خودشان، محاکمه و برای وی حکم صادر نماید. بدین صورت که برای او، در صورتی که جرم ارتكابی را در کشور خود انجام می‌داد، حکم صادر شود. دو مشکل بالقوه می‌توان در این روش مشاهده نمود. اول اینکه، زندانی خارجی تازمانی که منتقل نشده است میزان محکومیت خود را نمی‌داند و بنابراین در خصوص تصمیم‌گیری راجع به انتقال خود، دچار مشکل می‌شود. ثانیاً و شاید مهم‌تر از اولی، این احتمال هست که در بعضی پرونده‌ها، دوره‌ای که محکوم علیه قبلاً در کشور محل صدور حکم، محکومیت را سپری کرده معادل و حتی بیشتر از حکم محکومیتی باشد که در کشور متبوع او صادر خواهد شد که نتیجه چنین رویدادی این خواهد بود که شخص زندانی منتقل شده، فوراً آزاد گردد.^{۳۸}

در هر صورت در مورد تبدیل محکومیت، مراحل پیش‌بینی شده در قانون دولت اجرا کننده حکم باید رعایت شود. از طرفی اطلاعات به دست آمده را که صراحتاً یا تلویحاً از رأی صادره در کشور محکوم کننده استنباط می‌شود، رعایت کند. ضمناً مجازاتی را که مستلزم محرومیت از آزادی است به یک مجازات مالی تبدیل نکنند. پر واضح است که کل دوره محکومیتی را که زندانی سپری کرده است باید در حکم جدید کسر گردد.

از دیگر مواردی که در خصوص تبدیل محکومیت باید رعایت گردد؛ این است که دولت اجرا کننده حکم می‌تواند مجازات شخص محکوم را تشدید نماید. ممکن است توافق شود، در صورتی که مجازات جرم ارتكابی در کشور اجرا کننده کمتر از مجازات مندرج در حکم، مقرر شده باشد، دولت اجرا کننده از طریق دادگاه صلاحیتدار در قلمرو حاکمیت خود حداکثر مجازات را طبق قانون داخلی خود، تعیین خواهد کرد.

اگر چنانچه حکم دادگاه دولت صادر کننده متضمن تعیین مجازات برای دو یا چند عمل مجرمانه باشد و قانون دولت اجرا کننده یک یا چند مورد آن را جرم تلقی ننماید، در این صورت دولت اجرا کننده از طریق دادگاه‌های صلاحیتدار در قلمرو حاکمیت خود در تعیین مجازات برای شخص محکوم اقدام می‌کند. در صورتی که برای عمل مجرمانه موضوع حکم صادره راجع به شخص محکوم در قوانین دولت اجرا کننده، مجازات‌های تکمیلی مقرر شده باشد، دولت اجرا کننده توسط دادگاه‌های صلاحیتدار در قلمرو حاکمیت خود طبق مقررات اقدام خواهد کرد.^{۳۹}

به هر حال کشورها در اتخاذ هر کدام از این روش‌ها آزادند و مطابق توافق با یکدیگر عمل

38. David Biles, *op. cit.*, p. 4.

۳۹. نک: معاهده انتقال به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و اوکراین مصوب ۱۳۸۶ و جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان مصوب ۱۳۷۸.

می‌کنند. در موافقتنامه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها منعقد نموده - چه به صورت قطعی و رسمیت یافته و چه در مراحل مقدماتی و در حال طی مراحل قانونی - از هر دو شیوه استفاده گردیده است. مثلاً در موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت آذربایجان مصوب ۱۳۷۸ از شیوه «تبدیل محکومیت» استفاده شده است. اما در موافقتنامه همکاری قضایی و حقوقی با دولت کویت مصوب ۸۴/۱۱/۲۹ از شیوه «استمرار محکومیت» استفاده شده است. چنانچه در ماده ۴۹ این موافقتنامه آمده است:

«مجازات در نظر گرفته در قلمرو طرف درخواست شونده بلافاصله قابل اجرا خواهد بود....»

و در ماده ۵۰ می‌گوید:

«اجرای مجازات بر اساس نظام اجرای احکام حاکم در سرزمین طرف در خواست شونده که تنها مرجع صلاحیتدار برای اتخاذ تصمیم در مورد روش اجراست، انجام خواهد شد....»

پیامد زندانی کردن شخص محکوم در کشور اجرا کننده این خواهد بود که اجرای حکم محکومیت در کشور محکوم کننده به حالت تعلیق در می‌آید، و چنانچه اجرای دوره محکومیت از نظر دولت اجرا کننده به پایان رسیده باشد، دولت محکوم کننده دیگر نمی‌تواند محکومیت مزبور را به اجرا در آورد. از طرفی مسؤلیت استمرار اجرای حکم به محض انتقال رسمی محکوم علیه به کشور متبوع وی، به کشور انتقال گیرنده منتقل می‌شود.^{۴۰}

دولت اجرا کننده حکم بلافاصله از طریق دادگاه یا دستور اجرایی به اجرای حکم محکومیت دستور می‌دهد، و از این طریق محکومیت را به تصمیم صادره از طرف آن دولت تبدیل می‌کند و مجازات اعمال شده در کشور محکوم کننده را به یک مجازات پیش‌بینی شده در قوانین کشور اجرا کننده برای ارتکاب همان جرم جایگزین می‌سازد.^{۴۱}

40. See: Agreement between the government of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and the government of the co-operation Republic of Guyana on the Transfer of Prisoner. Article. 1.

۴۱. نکته‌ای که ذکر آن خالی از لطف نیست، این است که عموماً کشورها اطلاعاتی را راجع به شخص محکوم به حبس جمع‌آوری می‌نمایند که این اطلاعات اصولاً باید جنبه محرمانه داشته باشد. در این میان قانون محرمانه ۱۹۸۸ کشورهای مشترک‌المنافع - از جمله استرالیا - قابل ذکر است. همچنین در این کشورها برای جمع‌آوری اطلاعات نسبت به زندانیان، آیین‌نامه بین‌المللی انتقال زندانیان ۲۰۰۲ و قانون بین‌المللی ۱۹۹۷، انتقال زندانیان حاکم است. برابر این قوانین اطلاعات شخصی تنها در صورتی افشاء می‌شوند و در اختیار دولت انتقال گیرنده قرار می‌گیرند که: ۱- زندانی نسبت به افشای آنها رضایت داشته باشد. ۲- زندانی به صورت معقول نسبت به اطلاعاتی که انتقال داده می‌شود آگاه گردیده باشد. ۳- مرجع افشاء اطلاعات به این اعتقاد رسیده باشد که افشاء اطلاعات مربوطه برای ممانعت یا کاهش یک تهدید جدی و

شورای نگهبان در خصوص «انتقال محکومان به حبس» معتقد است:

«از این جهت که اطلاق این موارد شامل اجرای قوانین خلاف شرع و همچنین رأی صادره توسط قاضی غیر واجد شرایط و غیر منصوب صادر می‌گردد و همچنین دارای موادی است که مستلزم تأیید صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور مقابل است و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها و لو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، لذا خلاف موازین شرع شناخته می‌شود».^{۴۲}

۳- نیابت قضایی معاهده‌ای

همانگونه که در پیش آمد، یکی از شیوه‌های همکاری قضایی میان کشورها در فقدان قانون یا موافقتنامه یا معاهده میان آنها، توسل به نیابت قضایی است. شیوه‌ای که با فقدان معاهده و توافق قبلی میان کشورهای درخواست کننده و درخواست شونده و صرفاً بر اساس عمل متقابل و حسن نیت صورت می‌پذیرد و کشور متقاضی عنه هیچ اجباری در اجابت خواسته کشور متقاضی ندارد. به هر حال عموماً کشورها در این قلمرو اقدام به مساعدت یکدیگر می‌نمایند، چه اینکه در هر حال ممکن است در آینده خود نیز نیازمند همکاری کشور مقابل باشند. جهت ورود به بحث، مناسب دیده می‌شود که مجدداً تعریفی از امر نیابت قضایی ارائه گردد و سپس در خصوص موارد داخل در امر نیابت قضایی که در معاهدات مذکور می‌افتد و به توافق می‌رسد، به بحث پرداخته شود.^{۴۳}

نیابت قضایی عبارت است از «اعطای نمایندگی از طرف یک مرجع قضایی به مرجع قضایی دیگر به منظور تحقیق از متهم یا مطلع، جمع‌آوری اسناد و مدارک، انجام کارشناسی، توقیف متهم و ارسال کلیه اسناد جدیدالتحصیل به مرجع درخواست کننده».^{۴۴}

فوری نسبت به حیات یا سلامتی زندانی یا اشخاصی دیگر، لازم و ضروری باشد. ۴- افشا طبق قانون صورت گیرد. ۵- برای اجرای قانون جزایی که جزای نقدی را تحمیل می‌کند یا برای حمایت از منافع عمومی، افشای اطلاعات ضروری باشد. به نقل از:

Privacy International of Sheet: International Transfer of Prisoners, access at:
[http://www.ag.gov.au/adg/www/rwpattach.nst/viewasattachmentpersonal/\(CFD7369FCAE9B8F32F341DBE097801FF\)~Privacy+International+-+Prisoners.pdf/\\$file](http://www.ag.gov.au/adg/www/rwpattach.nst/viewasattachmentpersonal/(CFD7369FCAE9B8F32F341DBE097801FF)~Privacy+International+-+Prisoners.pdf/$file).

۴۲. نک: نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۸۶۹۲ مورخ ۸۵/۹/۲۳ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه معاهده

انتقال محکومان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین.

۴۳. لازم به ذکر است که نیابت قضایی هم در بحث همکاری‌های قضایی در امور کیفری و هم در امور مدنی و تجاری صورت می‌پذیرد. و اصول یکسانی بر هر دو حوزه حاکم است.

۴۴. علی آزمایش، پیشین (جزوه کلاسی).

اما با عنایت به موافقتنامه‌های معاضدت قضایی میان ایران و سایر کشورها و نیز دیگر کشورها با یکدیگر ممکن است موارد زیر تحت عنوان «نیابت قضایی» از کشور متقاضی عنه، درخواست گردد:

- اخذ شواهد و تحقیق از مطلعان و شهود؛

- انجام کارشناسی؛

- جمع آوری اسناد و مدارک و اطلاعات مرتبط با موضوع؛ و

- ابلاغ اوراق و اسناد (شامل احضاریه، اخطاریه، ...).

به‌طور کلی، درخواست نیابت قضایی از مراجع صالح در کشور درخواست کننده از طرق قضایی یا نمایندگی‌های دیپلماتیک یا کنسولی به کشور درخواست شونده ارسال می‌گردد. درخواست‌های نیابت قضایی اصولاً باید مطابق قانون و قواعد آیین دادرسی کشور مقصد انجام شوند. در هر صورت در مواردی که مرجع درخواست کننده انجام نیابت را منوط به اعمال آیین و تشریفات خاص یا رعایت موادی از قوانین داخلی خود نموده باشد، کشور متقاضی عنه در صورتی که اجرای موارد درخواست شده و تشریفات مربوطه مخالف قوانین وی نباشد، و یا چنانچه اصولاً در قوانین وی به چنین مواردی اشاره نشده باشد، می‌تواند برابر درخواست صورت گرفته عمل نماید.^{۴۵}

عموماً چنین توافق می‌گردد که نیابت قضایی انجام شده از همان اعتبار قانونی، چنان که در کشور متقاضی صورت می‌گرفت، در محاکم کشور درخواست کننده برخوردار گردد.^{۴۶}

۴۵. در ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی نیابت قضایی، ۳۰ ژوئن ۱۹۷۵ آمده است: «چنانچه مرجع مربوطه در کشور درخواست شده خود را فاقد صلاحیت اجرای نیابت قضایی بیابد، می‌تواند به اعتبار سمت و مقام (ex officio) خود، مدارک و سوابق پرونده را جهت کشوری که واجد صلاحیت تشخیص می‌دهد ارسال دارد.»

۴۶. به‌طور کلی قوانین جزایی ایران، حاکمیت قانون کیفری خارجی را در موارد بسیار معدود مورد شناسایی قرار داده است. از جمله قانون پولی و بانکی ایران که اجازه صدور مجوز برای تأسیس بانک را به افراد منوط به عدم محکومیت مالی و جزایی وی می‌کند. حال چنانچه، شخصی در کشور خارجی مثلاً محکوم به کلاهبرداری شده باشد، برابر این قانون امکان دادن مجوز مربوطه به وی وجود نخواهد داشت. یا تبصره ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری عنوان می‌دارد که: «احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد.» یا برابر ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، که عنوان می‌دارد: «... هر ایرانی که در خارج مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.» (که بیانگر اثر قانونی دادن به قانون جزای خارجی در جرم شناختن عمل ارتكابی در حوزه صلاحیت آن قانون می‌باشد.) و یا قسمت اخیر ماده ۶ همان قانون که می‌گوید: «... هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت

در هر حال، کشور متقاضی عنه چنانچه چنین تشخیص دهد که انجام نیابت قضایی به وضوح مخالف نظم و امنیت و سیاست عمومی آن کشور است، و نیز چنانچه نیابت درخواست شده در خصوص فعلی باشد که در کشور درخواست کننده، جرم اما در کشور متقاضی عنه جرم محسوب نمی‌شود و همچنین زمانی که اجرای نیابت قضایی جزء صلاحیت داخلی کشور متقاضی عنه نباشد، از انجام نیابت قضایی خودداری نماید.^{۴۷} پس از توضیحات فوق، در اینجا به بررسی موارد مورد تقاضا در یک نیابت قضایی مطابق معاهدات موجود پرداخته می‌شود.

الف) اخذ شواهد و تحقیق از مطلعان و شهود

در مواردی دادگاه‌های داخلی نیازمند تحقیق از شهود و اخذ شهادت و اظهارات آنان جهت روشن شدن مسأله و احیاناً استناد به اطلاعات اخذ شده از آنان در جریان رسیدگی و اخذ تصمیم می‌باشند. این امر از دو طریق میسر خواهد بود. اول اینکه از طریق نیابت قضایی این امر به دادگاه صلاحیتدار در کشور محل استقرار شاهد انجام شود تا قاضی صالح در آن محل، خود به بررسی و اخذ اظهارات شهود بپردازد. به نظر می‌رسد که قانون آیین دادرسی ایران در امور کیفری در ماده ۱۶۲ خود - چنانچه به نحو موسع تفسیر گردد - با این امر موافق باشد. ثانیاً، از طریق ابلاغ احضاریه، شاهد یا شهود مربوط جهت استماع و اخذ اظهارات آنان به کشور متقاضی دعوت شوند. معاهدات معاضدت قضایی که ایران منعقد می‌نماید، بیشتر حاوی روش اخیر است.

به‌طور کلی در روش اول، شهادت به‌طور معمول در شعبه قاضی خارجی اخذ می‌گردد و شهود توسط خود قاضی مورد تحقیق قرار می‌گیرند. ممکن است قاضی به نماینده طرف ذینفع - کشور متقاضی - اجازه حضور در دادگاه را بدهد و ممکن است پس از اتمام تحقیقات قاضی خارجی، به وی اجازه داده شود که در صورت نیاز وی نیز از شهود سؤالاتی را نموده و ابهامات را رفع نماید.

سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.^{۴۸} بنابراین در این مورد نیز عملی که طبق قانون جزای خارجی جرم تلقی شده، در محکمه ایرانی نسبت به آن ترتیب اثر داده می‌شود. چنین بحثی در خصوص انتقال دادرسی و انتقال محکومین به حبس نیز به نوعی مطرح است که به آن اشاره شد. در خصوص بحث نیابت قضایی نیز چنین موردی قابل تصور است. در هر صورت کشورها توافق می‌نمایند که به نیابت قضایی انجام شده در کشور متقاضی عنه، در محاکم خود اثر قانونی داده و آن را مستند قرار دهند. در حقیقت در نیابت قضایی دادگاه‌های یک صلاحیت به قوانین و تصمیمات قضایی صلاحیت دیگر، اثر قانونی می‌بخشند. همچنین، نک:

Peter Balasubramanian and Cynthia Tape, "Obtaining Evidence in Canada for Use in Foreign Proceedings: Principles and Practice", *NYSBA International Law Practicum*, Spring 2004, Vol. 17, No. 1., access at: <http://www.torys.com/publications/pdf/ARTech.44t.pdf>.

47. Procedure for Deposition and Letters Rogatory in Austria, accessed at: <http://vienna.usambassy.gov/en/embassy/cons/depose.htm>.

طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ضمن اینکه اخذ شهادت باید از طرف قاضی مأذون صورت بپذیرد، در هر حال چنانچه قرار به استناد به اظهارات اخذ شده از شهود باشد، باید کلیه تشریفات لازم از جمله عمل اتیان نیز صورت گیرد. با این اوصاف به نظر می‌رسد که سیستم قضایی ایران با چنین روشی (نیابت قضایی در اخذ اظهارات شهود در خارج) موافق نباشد. این روش را می‌توان در ماده ۱۸ موافقتنامه همکاری قضایی میان ایران و سوریه ملاحظه نمود و لذا مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته است. بدین عبارت که «در ماده ۱۸، اعطای نیابت چون شامل مواردی می‌شود که نایب غیر واجد صلاحیت و یا غیر منصوب بوده و یا بدون رعایت موازین و احکام اسلام استماع اقرار یا شهادت نموده و یا حکم صادر می‌نماید، ... لذا اطلاقش خلاف شرع تشخیص داده می‌شود.»^{۴۸}

روش دوم که معمول به در توافقات بین ایران و سایر کشورها است، دعوت از شهود جهت مسافرت به کشور متقاضی جهت استماع و اخذ اظهارات آنان می‌باشد. عموماً چنین توافق می‌گردد که: «اگر در جریان تحقیقات مقدماتی یا دادرسی در خاک یکی از طرفین نیاز به حضور شاهد، مقیم خاک طرف دیگر باشد، احضارنامه از طریق مقام صالح طرف تقاضا شونده ارسال می‌شود.» در هر حال به لحاظ عدم صلاحیت کشور متقاضی در کشور متقاضی عنه و نیز دیگر عرف‌ها و نزاکت‌های بین‌المللی، احضارنامه نباید متضمن ضمانت اجرایی برای فرد احضار شده در صورت عدم حضور وی باشد.

موردی که عموماً در موافقتنامه‌های مربوطه ذکر می‌گردد و تقریباً جزء اصول اصلی و اساسی توافق بوده و بدنه آن را تشکیل می‌دهد این است که شاهد را صرف نظر از تابعیت وی - یعنی حتی اگر تبعه ایران و در صلاحیت قضایی ایران هم باشد - بعد از حضور داوطلبانه در مرجع مربوطه طرف متعاقد دیگر، نمی‌توان برای امور یا محکومیت‌های قبلی قبل از رد شدن از مرز طرف درخواست کننده، یا اموری که موضوع محاکمه بوده و او را برای ادای شهادت در این امر احضار کرده‌اند، تعقیب یا توقیف نمود. در هر حال این مدت محدود است و پس از سپری شدن مدت زمان لازم که ممکن است حداقل ۱۵ روز باشد چنانچه شاهد احضار شده کشور متقاضی را ترک نکند و یا اینکه ترک کرده و به اختیار خود دوباره بازگردد و یا اینکه کشور متقاضی عنه، اجازه دهد،

۴۸. نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۸۰/۳/۱۷ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی. همچنین ر.ک.: نامه شماره ۸۴/۳۰/۱۲۴۱۰ مورخ ۸۴/۳/۱۹ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه موافقتنامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت.

مورد محاکمه قرار خواهد گرفت.^{۴۹}

اما در این خصوص نیز شورای نگهبان به ایراد شرعی نسبت به این موارد پرداخته است. در ایراد وارده از جانب شورای نگهبان به ماده ۲۸ موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه آمده است:

«مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران چنانچه از کشور متعاقد درخواست حضور کارشناس یا شاهد در محاکم قضایی ایران را بنمایند، بر اساس شرع مقدس اسلام آنان در بعضی موارد ملزم به حضور هستند. لکن چون اطلاق ماده ۲۸ آنان را مخیر به پذیرش دعوت نموده است، از این جهت خلاف موازین شرع تشخیص داده شد. همچنین اطلاق مصونیت قضایی برای شاهد و کارشناس چون شامل مواردی می‌شود که احکام صادره از لحاظ شرعی لازم‌الاجراست نیز می‌گردد، لذا خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.»^{۵۰}

ب) انجام کارشناسی

توافقات در خصوص انجام کارشناسی نیز موردی شبیه اخذ شواهد شهود و استماع اظهارات آنان است که ممکن است با درخواستی از کشور متقاضی عننه صورت پذیرد و یا اینکه از کارشناس جهت حضور در کشور متقاضی دعوت به عمل آید. بهر حال ایرادات مذکور از جانب شورای نگهبان در خصوص امر کارشناسی و شخص کارشناس نیز قابل تسری است، همچنان که شورای نگهبان به این امر نیز اشاره دارد.

ج) جمع‌آوری اسناد و مدارک و اطلاعات مرتبط با موضوع

عموماً جمع‌آوری اسناد و مدارک و اطلاعات مرتبط با موضوع دعوا، از طرق رسمی و غیررسمی

۴۹. نک: ماده ۱۲ موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۵ و ماده ۱۲ قرارداد دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۶۸ و ماده ۲۸ موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها میان ایران و سوریه مصوب ۱۳۸۱.

۵۰. نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۸۰/۳/۱۷ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی همچنین، نک: نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۸۶۹۱ مورخ ۸۵/۹/۲۳ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان.

زیر امکان پذیر است. چنانچه معاهده‌ای در میان نباشد از طریق نیابت قضایی غیررسمی — خارج از معاهده — تقاضای همکاری صورت می‌پذیرد. ممکن است از طریق درخواست پلیس از پلیس در کشور متقاضی و متقاضی عهده صورت پذیرد، یا ممکن است درخواست‌ها از طریق اینترنت رد و بدل و اسناد و مدارک لازم تهیه گردد. ممکن است از طریق کانال‌های دیپلماتیک به چنین اقدامی دست زده شود. و نهایتاً ممکن است از طریق انعقاد معاهده‌ای انجام چنین درخواست‌هایی با اعطای نیابت به طرف دیگر صورت پذیرد.^{۵۱} ممکن است در جهت اخذ اسناد و مدارک، توافق در خصوص روش‌های اختیاری و مسالمت‌آمیز یا اجباری نیز صورت گیرد و جستجو و ضبط موارد مورد نیاز نیز معاهدات منظور گردد.^{۵۲}

موارد مذکور در فوق در خصوص جمع‌آوری اسناد و مدارک از اشخاص خصوصی بود. به علاوه ممکن است دولت متقاضی، خواستار اسناد و مدارک عمومی و غیر عمومی (سری) دولت مقابل باشد. در اینجا کشور متقاضی عهده ممکن است به صلاحدید خود، اسناد و مدارکی که امکان در اختیار قرار دادن آنها به مراجع داخلی وی وجود دارد را، در شرایطی یکسان در اختیار دولت

۵۱. کشورهایی مانند ایالات متحد در خصوص انواع خاصی از جرایم، مانند جرایم سازمان یافته در ارتباط با مسائل مالی و حساب‌های بانکی سران آن جریان‌ها و یا مواد مخدر اقدام به انعقاد معاهده یا توافق در خصوص انجام نیابت در جهت جمع‌آوری اسناد و مدارک مورد نیاز مراجع مربوط در کشور آمریکا می‌نمایند. در ایالات متحد جهت اخذ اسناد و مدارک در خارج از کشور روش خاصی وجود دارد که به تعبیر آنان «یک وسیله رسمی جهت اخذ اسناد و مدارک» می‌باشد و آن «دستور یا اختیار جلب» است، که این روش به طور بالقوه و ماهیتاً در خصوص اتباع یا اشخاصی که مقیم دائم ایالات متحد هستند و در خارج حضور دارند یا شعب خارجی شرکت‌های بازرگانی واقع در ایالات متحد که اطلاعات و اسناد مطلوبی برای محاکم ایالات متحد در اختیار دارند، صورت می‌پذیرد. به نقل از:

Treaty with the Philipines on Mutual Legal Assisstance in Criminal Matters, Report, July 30, 1996, accessed at: <http://www.lawphil.Net/international/treaties/mutleg.html>

۵۲. قسمت ۴۶ از قانون اسناد و مدارک کانادا اجازه بعضی اقدامات اجباری را جهت انجام درخواست نیابت قضایی خارجی به دادگاه‌های کانادا می‌دهد. از این طریق می‌توان شهود را مجبور به حضور نزد مرجع قضایی نمود و باید هرگونه اسناد و مدارک مربوطه مورد درخواست را فراهم کرد. غیر از این موارد، هیچگونه اقدام اجبار کننده دیگری قابل اعمال نیست. اوراق نیابت قضایی که از دولت خارجی واصل می‌شود توسط IAG (International Assistance Group) مورد ملاحظه قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آیا همکاری درخواست شده بر پایه یک امر اختیاری قرار دارد و بنابراین نیاز به دستور دادگاه نیست و اگر بر یک امر اجباری قرار می‌گیرد نیاز به دستور دادگاه دارد که متعاقباً درخواست به نیروی پلیس فدرال تقدیم می‌شود. برای مثال، چنانچه درخواست بر مبنای اجبار در انجام آن مطابق معاهده باشد، IAG بررسی خواهد نمود که آیا درخواست مذکور با قسمت ۴۶ از قانون اسناد و مدارک کانادا باید با این دستور همراه گردد که شهود جهت شهادت و یا ارائه دیگر اسناد و مستندات ملزم به حضور نزد دادگاه باشند یا خیر. به نقل از:

Interpol, <http://www.rcmp-grc.gc.ca/intpolicing/centralauth-e.htm>

متقاضی قرار دهد. از طرفی کشورها به یک درخواست کلی جمع‌آوری اسناد ترتیب اثر نمی‌دهند. اسناد و مدارک لازم باید تا حد امکان به وضوح مشخص شوند.^{۵۳}

معاهدات معاضدت قضایی منعقد از طرف ایران با سایر کشورها، جز اشاره‌ای کلی به محدوده معاضدت قضایی و از جمله «... تسلیم و ارسال اسناد و مدارک و ارائه اطلاعات دیگر...» وارد جزئیات و نحوه انجام این اعمال نمی‌شود. در هر حال مسلم است که انجام این درخواست‌ها مطابق قانون داخلی خواهد پذیرفت. اما به طور کلی اثر آن با توجه به توافقات صورت گرفته، اثر قانونی انجام همان درخواست همچنان که در ایران صورت می‌پذیرفت است.

د) ابلاغ اوراق و اسناد^{۵۴}

از آنجایی که صلاحیت یک دادگاه محدود به قلمرو کشوری است که در آن واقع شده است، بنابراین قدرت و اختیار ابلاغ اسناد مربوط به شخصی که در قلمروی دیگر واقع است را ندارد. از اینرو شخصی که در صدد اقدام قانونی علیه شخصی که در کشور دیگر است، می‌باشد، نیازمند این است که در پی همکاری مراجع قضایی واقع در کشور مربوط باشد. البته این فرض را متصور می‌گیریم که دادگاه واقع در کشور فرد شاکی/خواهان، صلاحیت استماع آن دعوا را داشته باشد.^{۵۵}

در هر حال، سابقاً و تا حدود زیادی در دوران معاصر، این عمل از طریق نیابت قضایی غیر معاهده‌ای صورت می‌گرفت. در این روش ابلاغ اوراق از طریق سیاسی و بعد قضایی انجام می‌شد، بدین نحو که ابتدا دادگاه فرستنده، نیابت قضایی را صادر و به وزارت امور خارجه کشور خود ارسال می‌دارد و از طریق وزارت امور خارجه کشور درخواست کننده، به وزارت امور خارجه کشور متقاضی عهده ارسال و از آن مرجع به مرجع صلاحیتدار قضایی کشور درخواست شونده، ارسال می‌گردد تا دستور ابلاغ صادر گردد. اما با عنایت به معاهدات و کنوانسیون‌های موجود،^{۵۶} امروزه این امر ابتدائاً و مستقیماً به مراجع قضایی طرف مورد درخواست، جهت اجرای ابلاغ ارسال

۵۳. رویه قانونی در کانادا چنین است که در جایی که قلمرو درخواست اسناد بسیار وسیع است، دادگاه کانادایی بعد از بررسی اعمال صلاحیت خود و پس از محدود کردن قلمرو درخواست، اقدام به ترتیب اثر دادن به درخواست‌ها می‌نماید. به نقل از: Peter Balasubramanian and Cynthia Tape, *Ibid.*

54. Service of process

55. Service of process, http://www.lbx.com/en/Rogatory_letters.htm

۵۶. بجز معاهدات دوجانبه راجع به این امر، کنوانسیون‌های چند جانبه مهمی نیز وجود دارند که عبارتند از کنوانسیون آیین دادرسی مدنی ۱۹۵۴ که جایگزین کنوانسیون تحت همین عنوان در ۱۹۰۵ شده است. دیگری کنوانسیون لاهه راجع به ابلاغ اسناد قضایی و غیر قضایی در امور مدنی و بازرگانی در خارج، ۱۹۶۵ می‌باشد.

می‌گردد.^{۵۷}

به طور کلی، ابلاغ اوراق قضایی فرامرزی و گاه دیگر اسناد غیر قضایی، یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های همکاری قضایی بین‌المللی است. دولتی که انجام ابلاغ اوراق قضایی را بر همکاری با دادرسی خارجی، رد می‌کند، در حقیقت مرتکب این ریسک می‌گردد که شهروندانش ممکن است از حمایت قانونی خارجی محروم شوند. (در هر حال انجام اینگونه امور بر عمل متقابل، نزاکت و حسن نیت قرار دارد)

جمهوری اسلامی ایران در معاهدات معاضدت قضایی با دیگر کشورها به دو طریق ابلاغ اوراق توسل می‌جوید. یکی ابلاغ اوراق و اسناد از طریق نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی خود و دیگر از طریق مراجع صالحه کشور طرف قرارداد با ایران. در هر صورت ممکن است چنین توافق‌گردد که تنظیم رسید تحویل اسناد و ابلاغ اوراق، مطابق قوانین لازم‌الاجرا در کشور درخواست‌شونده صورت پذیرد.^{۵۸} و نهایتاً چنانچه کشوری که انتشار آگهی یا ابلاغ اوراق از او خواسته شده، انجام آن با حاکمیت یا امنیت یا نظم عمومی یا عرف و عادت معمول در آن کشور مغایرت داشته باشد، می‌تواند از انجام عمل خودداری کند.^{۵۹}

۴- استرداد

واژه «استرداد» در فارسی به معنای باز پس فرستادن و معادل کلمه «Extradition»^{۶۰} در انگلیسی

57. Service of process. <http://en.wikipedia.org/wiki/service-of-process>

۵۸. برای مثال، نک: مواد ۸ و ۹ موافقتنامه معاضدت حقوقی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان در امور جزایی و مدنی، و ماده ۱۱ قانون موافقتنامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان.

۵۹. برای مثال، نک: ماده ۱۶ موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه.

۶۰. در متون حقوقی عموماً از دو لفظ «Extradition» و «Surrender» در بحث بازپس فرستادن و انتقال اشخاص مورد درخواست استفاده می‌گردد که بعضاً این دو لفظ به جای یکدیگر نیز استعمال شده‌اند و آن به دلیل شباهت در معانی آنهاست. اما با این حال بعضاً سعی گردیده که با تفاوت در ظاهر، قصدهای متفاوت از آن برداشت شود. از جمله اسنادی که به بحث افتراق این دو واژه عنایت داشته است، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که در ماده ۱۰۲ تحت عنوان «استعمال اصطلاحات» بیان می‌دارد: «به موجب این اساسنامه:

الف) منظور از «Surrender» در ارتباط با یک دولت، این است که شخص را در اجرای این اساسنامه به دیوان منتقل نماید.

ب) منظور از «Extradition» در ارتباط با یک دولت، این است که شخص را در اجرای یک معاهده، کنوانسیون

است. این یک واژه صرف حقوقی است و دنباله ندارد، یعنی به تنهایی به کار می‌رود. پس به عبارت دیگر باز پس فرستادن فرد ممکن است در حالتی باشد که یا وی «متهم» است و یا «محکوم‌علیه». بنابراین آنچه که از روی تسامح تحت عنوان «استرداد مجرمان» به کار می‌رود، جامع و مانع در معنا و مفهوم نمی‌باشد. پس به نظر می‌رسد عنوانی که ما در قوانین خود تحت عنوان «قانون راجع به استرداد مجرمین» داریم، مشمول اشکال مذکور گردد. اما در تعریف استرداد می‌توان گفت:

«استرداد، تسلیم رسمی فرد فراری از عدالت، بدون در نظر گرفتن رضایت وی، توسط مراجع صالحه دولت محل اقامت آن فرد به مراجع صالحه کشوری است که آن فرد در قلمرو صلاحیت وی متهم به ارتکاب جرم یا مرتکب جرم گردیده است، به منظور تعقیب جزایی^{۶۱} یا وضع محکومیت^{۶۲} یا اجرای محکومیت وضع شده^{۶۳} بر وی می‌باشد».^{۶۴}

بنابراین با عنایت به تعریف فوق، تفاوت آن را با انتقال محکومان در خواهیم یافت. چه آنکه «انتقال محکومان» عبارتست از منتقل کردن شخص یا اشخاص تبعه یک کشور که در کشور دیگری مرتکب جرم شده و بر اساس قوانین کشور بیگانه محاکمه و محکوم شده‌اند و برای گذراندن بقیه مدت محکومیت خود به کشور متبوعشان منتقل می‌شوند. به علاوه اینکه در بحث استرداد، کسب رضایت فرد درخواست شده جهت انتقال ملاک قرار نمی‌گیرد؛ در حالی که این امر در انتقال محکومان جزء اصول اساسی مطمح‌نظر است.

سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها عقیده دارد: «جرم باید در جایی کیفر داده شود که در آنجا روی داده است. علت آن است که فقط در آنجا و نه در جای دیگر، افراد ناگزیرند که با کیفر، آثار شومی را ترمیم کنند که جرم به وجود آورده ...». به این دلیل است که کشورهای خانواده حقوق آنگلوساکسون همواره حتی در مورد اتباع خود، طرفدار استرداد بوده‌اند.^{۶۵}

یا قوانین داخلی خود به دولت دیگر تحویل نماید.

61. Criminal Prosecution

62. Imposing a sentence

63. Enforcing a sentence imposed

64. Torstn Stein, "Extradition", Encyclopedia of Public International Law, Vol. 8, p. 222 and Canadian Extradition Act, 1999, C. 18, PART 2, Article 3(1) and

شهناز نیک انجام، «استرداد مجرمین»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۳، بهمن ماه ۱۳۶۶، به نقل از:

L. Oppenheim, *International Law*, Vol. 1, p. 696.

۶۵. دور موز تزکان، «استرداد در حقوق ترکیه»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ش ۲۸ و

۲۹، ترجمه علی‌اوسط جاویدزاده، صص ۲۳۲-۲۳۱.

قبل از ورود به بحث مناسب است به یکی از ایرادات شورای نگهبان راجع به انعقاد موافقتنامه‌های استرداد پاسخ داده شود. شورای نگهبان در ایراد به لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر عنوان می‌دارد: «از این جهت که دستگاه قضایی طرف دیگر با موازین قضایی جمهوری اسلامی ایران منطبق نیست و قهراً احکام صادره قابل اجرا نمی‌باشد، (انجام عمل استرداد) خلاف موازین شرع شناخته شد.» به نظر می‌رسد که این ایراد ناشی از عدم آگاهی نسبت به این مطلب است که در استرداد قصد اجرای حکم خارجی در میان نیست بلکه قصد تحویل دادن یک شخص به کشور دیگر برای تعقیب، وضع محکومیت یا اجرای محکومیت وضع شده است.

۱-۴- اصول حاکم بر استرداد

هر عمل استردادی با قواعد موجود در معاهده یا قانون مدون قابل اعمال در آن زمینه در ارتباط است. در فقدان یک کنوانسیون جهانی یا حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه، قواعد استرداد فراوانی وجود دارد. در این قسمت به برخی از این موارد می‌پردازیم.

الف) جرایم قابل استرداد^{۶۶}

معاهدات و قوانین مدون سابق، جرایم مشمول عمل استرداد را به‌طور مشخص معین می‌کردند. این رویه حالت نامطلوبی را به وجود آورده بود چراکه در قوانین جزایی کشورها عناوین جدیدی از جرایم با طبیعت مخصوص خود ایجاد شده است و این بالتبع نیاز به معاهدات متمم را طلب می‌نمود. بیشتر معاهدات و قوانین داخلی اخیر، به‌طور ساده قوانین قابل استرداد را با ارجاع به مجازات‌هایشان و ضرورت معمولی محرومیت از آزادی برای حداقل یک سال بدون در نظر گرفتن عوامل مخففه یا مشدده آن معین می‌نمایند.^{۶۷}

66. Extraditable Offences

۶۷. قانون راجع به استرداد مجرمین ایران، با تأسی به شیوه دوم و بدون احصاء جرایم، در بند ۲ ماده ۴ در خصوص جرایم قابل استرداد می‌گوید: «در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضا کننده مستلزم مجازات جنحه باشد، مشروط بر اینکه حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد. در مورد کسانی که محکومیت یافته‌اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از دو ماه حبس باشد...»

ب) قاعده جرم مضاعف^{۶۸}

قاعده جرم مضاعف چنین مقرر می‌دارد که یک عمل قابل استرداد نمی‌باشد، مگر آنکه آن عمل تحت قوانین هر دو کشور درخواست کننده و درخواست شونده جرم باشد. همچنین این قاعده اغلب در معاهدات به عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌شود. قاعده تضمین می‌نماید که هیچ دولتی متعهد به استرداد یک فرد جهت عملی که توسط استانداردهای او جرم تلقی نشده نمی‌باشد.^{۶۹}

در این خصوص شورای نگهبان بدون توجه به مقررات بین‌المللی در زمینه استرداد که شرط اول آن را قاعده جرم مضاعف تشکیل می‌دهد در ایراد وارد به لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین دولت ایران و دولت الجزایر چنین عنوان می‌دارد: «...ب) اطلاق اشخاص در این ماده شامل متهمینی می‌شود که از نظر موازین قضایی جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته نشده و استرداد آنها مشروع نیست».^{۷۰}

ج) اصل عمل متقابل^{۷۱}

به طور سنتی، اصل عمل متقابل زیر بنای ساختار عمل استرداد قرار می‌گیرد. در جایی که مبنای ارتباط در خصوص عمل استرداد توسط یک معاهده صورت می‌پذیرد، عمل متقابل به میزان وسیعی تضمین می‌گردد اگرچه حتی در اینجا زمینه‌های اختیاری جهت رد درخواست استرداد از تعهدات متقابل نابرابر نتیجه گردد. استرداد در فقدان یک معاهده زمینه‌ای است که اصل عمل متقابل، قابلیت اعمال اصلی خود را می‌یابد. این اجازه استرداد زمانی داده می‌شود که درخواست

68. The Double-Criminality Rule

۶۹. نک: کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، ماده ۴۳ پاراگراف ۲ و ماده ۴۴ پاراگراف‌های ۲ و ۸ در پاراگراف ۲ ماده ۴۴ روشن می‌سازد که شرط «جرم مضاعف» می‌تواند با تمایل دولت‌ها لغو شود. در پاراگراف ۸ این ماده استرداد را منوط به شرایط مقرر شده توسط قانون داخلی کشور عضو و درخواست شونده می‌کند که در برخی از کشورها ممکن است شرط جرم مضاعف وجود نداشته باشد. پاراگراف ۲ ماده ۴۳ چنین بیان می‌دارد که در جایی که جرم مضاعف به عنوان یک شرط، درخواست شده است، چنانچه رفتاری که تأکید بر جرمی دارد که کمک به خاطر آن درخواست شده طبق قانون هر دو کشور عضو جرم کیفری می‌باشد، صرف‌نظر از اینکه آیا قوانین کشور عضو درخواست شونده جرم را در همان مقوله جرم قرار می‌دهد یا جرم را با همان واژه کشور درخواست کننده بنامد، اجرا شده تلقی می‌شود.

۷۰. نامه شماره ۸۴/۳۰/۱۱۵۴۴۵ مورخ ۸۴/۱/۳۱ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی.

71. Reciprocity

شونده مطمئن شود به صورت عمل متقابل در آینده به درخواست او هم تمکین خواهد شد.^{۷۲}

د) قاعده اختصاصی بودن استرداد^{۷۳}

در استرداد، شخص مورد تقاضا، تنها در خصوص جرم موضوع استرداد، مورد محاکمه قرار می‌گیرد، زیرا گسترش دامنه تعقیبات کیفری به جرایم دیگر، منجر به سوء استفاده از استرداد می‌شود. رضایت پیشین چنانچه، جرمی که به خاطر آن استرداد اعطاء شده، در جریان دادرسی تغییر یابد، معتبر نیست، چراکه جرم در توصیف جدیدش بر حقایق مشابهی قرار گرفته و خود، جرم قابل استرداد جدیدی را می‌سازد.

شورای نگهبان ضمن مخالفت با قاعده مذکور که به نوعی نظم دهنده روابط کشورها و جلوگیری از خودسری آنان در مقابله با مجرمان است در ایراد به لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان می‌گوید: «اطلاق بند یک ماده ده چون شامل مواردی می‌شود که پی‌گرد جزایی یا مجازات شخص مسترد شده از لحاظ شرعی لازم باشد و این بند آن را ممنوع می‌کند، خلاف موازین شرع شناخته می‌شود».^{۷۴}

ه) قاعده «یا محاکمه کن یا مسترد نما»^{۷۵}

قاعده «یا محاکمه کن یا مسترد نما» (اصل گروسیوس)، باید در عملکرد میان دولت‌ها تقویت شده و وسعت یابد و در تمامی زمینه‌های همکاری قضایی خصوصاً استرداد اعمال شود.^{۷۶} این اصل یا قاعده علاوه بر اینکه، در اعمال «صلاحیت جهانی» در خصوص جنایات بین‌المللی کاربرد دارد، در معاهدات استرداد میان کشورها راجع به جرایم عادی یا جرایم بین‌المللی هم مطمح‌نظر است. آنجا که بعضاً کشورها از استرداد تبعه خود، خودداری می‌کنند، این تکلیف را در راستای اصل بی‌کیفر نماندن مجرم، اگرچه در معاهدات یا قوانین مربوط ذکر نشده باشد، بر عهده دارند که خود به محاکمه و مجازات او بپردازند.^{۷۷}

۷۲. ماده ۱ قانون راجع به استرداد مجرمین در قسمت اخیر ماده ۱ مقرر می‌دارد: «... استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد».

73. The Speciality rule

۷۴. نامه شماره ۸۱/۳۰/۷۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی.

75. Aut judicare aut dedere

76. See: "New Problems of Extradition", Resolution of The Institute of International Law, session of Cambridge 1983, accessed at: <http://www.idi-iil.org/idiE/resolutionsE/1983-camb-03-en.pdf>.

۷۷. در این خصوص بند ۱۰ ماده ۱۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی چنین بیان

۲-۴- موارد رد درخواست استرداد

شبهه اصول مذکور در فوق، تعدادی از استثنائات به تعهد به استرداد در بیشتر معاهدات و قوانین داخلی راجع به آن مربوط می‌شود. چنین استثنائاتی ابتدائاً مربوط به اوضاع و احوال شخصی فرد متواری می‌شوند، بعضی از آنها به حالات و خصوصیات رسیدگی جزایی در کشور مورد درخواست مربوط می‌گردند و گروهی نیز به طبقات معینی از جرایم اشاره دارند. در این بند به مرور آنها پرداخته می‌شود.

الف) اتباع^{۷۸}

در حالی که برخی از کشورهای خانواده حقوق کامن لا صلاحیت کیفری خود را محدود به اصل سرزمینی بودن جرم می‌کنند و لذا قادر نیستند اتباعشان را برای جرایم ارتكابی در خارج محاکمه و تعقیب نمایند و بنابراین شرایط استرداد اتباع خود را مهیا می‌کنند، کشورهای خانواده حقوق نوشته، به عنوان یک اصل و قاعده، توسط قوانین اساسی یا داخلی خود از این عمل در اجرای استرداد تبعه خود منع می‌شوند.^{۷۹}

ب) نقص دادرسی^{۸۰}

در موافقتنامه‌ها و قوانین داخلی جاری کشورها عموماً چنین مقرر می‌گردد که چنانچه تشریفات دادرسی در کشور درخواست کننده برابر و هماهنگ با حداقل استانداردهای بین‌المللی شناخته شده در تضمین یک دادرسی عادلانه نباشد، از استرداد شخص درخواست شده ممانعت به عمل خواهد آمد.

چنانچه چنین نقص‌هایی به طور صریح در معاهده استرداد مذکور نیفتاده باشد، استناد به آنها به منظور رد درخواست استرداد باعث ابهام بیشتر معاهده می‌گردد.

می‌دارد: «دولت عضوی که متهم مورد ادعا در سرزمین آن یافت می‌شود، در صورتی که چنان شخصی را در خصوص جرمی که این ماده در مورد آن اعمال می‌شود، صرفاً به دلیل آنکه آن شخص یکی از اتباع آن است مسترد نکند، ملزم است بنا به تقاضای دولت عضو درخواست کننده پرونده را بدون تأخیر غیرموجه به مراجع صلاحیتدار خود به منظور تعقیب تقدیم کند...»

78. Citizense

۷۹. برای مطالعه بیشتر، نک:

The Extradition of Nationals: Comments on the Extradition Request for Alberto Fujimori, GERMAN LAW JOURNAL, No. 11 (1 November 2003), accessed at: <http://www.germanlawjournal.com/article.pdf?id=334>
80. Procedural defects

«کشورهای اروپایی هنگامی که اینترپل تهران، درخواست استرداد مجرمی را می‌نماید در پاسخ ابتدا نام و مشخصات و مرجع صادر کننده حکم را استعلام می‌کنند تا اینکه بدانند مرجع درخواست کننده از مقامات داد سرای عمومی است یا خیر؟»^{۸۱}

ج) جرایم نظامی^{۸۲}

در حالی که معاهدات استرداد اولیه، تحویل فرد «فراری از خدمت»^{۸۳} را مقرر می‌نمودند (همانگونه که توافقات نظامی جدید و معاهدات اتحاد نظامی چنین می‌کنند)، معاهدات استرداد بعدی و قوانین ملی معمولاً جرایم نظامی را از شمول عمل استرداد استثناء می‌کنند. بند ۴ ماده ۸ قانون راجع به استرداد ایران یکی از موارد رد درخواست استرداد را نظامی بودن جرم ارتكابی می‌داند.

د) جرایم سیاسی^{۸۴}

استثنای جرایم سیاسی، بر مبنای نگرانی‌های بشر دوستانه برای مجرم از یکسو و بی‌میلی دولت‌ها در ورود به مشکلات سیاسی دولت‌های دیگر از سوی دیگر قرار دارد که یکی از بزرگترین مشکلات حقوق راجع به استرداد را در معاهدات و قوانین داخلی از ۱۸۳۳ تاکنون به وجود آورده است. امروزه، استثنای جرم سیاسی در قوانین و معاهدات میان کشورهای دموکراتیک مقرر می‌گردد. اما توصیف آن به عنوان یک قاعده لازم‌الاجرای حقوق عرفی، حداقل قابل بحث است.^{۸۵} با وجود این، در فقدان یک تعریف جامع و کامل و نیز اجماع در خصوص تعریف جرایم سیاسی، «استثنای بر استثناء» وجود دارد. اعمالی که دارای ماهیت و وصف بسیار شنیع می‌باشند، شبیه اعمال تروریستی،^{۸۶} نباید تحت عنوان جرایم سیاسی قلمداد گردند. همچنین «سوء قصد» علیه

۸۱ حبیب‌الله شیرخانلو، پیشین، ص ۹۳.

82. Military offences

83. Deserter

84. Political offences

85. Torstn Stein, *Extradition, op. cit.*, p. 226.

۸۶ در خصوص اعمال تروریستی ذکر این مطلب لازم است که شورای امنیت پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، در قطعنامه شماره (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ ضمن اینکه در بند ۳(g) از کشورها می‌خواهد که تضمین دهند در هماهنگی با قواعد حقوق بین‌الملل، از ارتكاب جرایم و اعمال تروریستی سازمان‌یافته و تسهیل کننده آن جلوگیری کرده و آنها را تحت جرایم سیاسی قلمداد نکنند، همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که اقدام به رد درخواست استرداد تروریست‌ها ننمایند. در بند ۴ همین قطعنامه هم ادامه می‌دهد: اعمال، روش‌ها و رویه‌های تروریستی مخالف اهداف و اصول ملل متحد است و همچنین کمک مالی آگاهانه و نیز تشویق اعمال تروریستی نیز مخالف اهداف و اصول ملل

سران کشورها، دیپلمات‌ها و کارمندان مأموریت‌های سیاسی و نیز کارمندان وابسته به سازمان‌های بین‌المللی باید جزء اعمال بسیار خطرناک و زشت قلمداد شده و تحت تعریف جرایم سیاسی قرار نگیرد.

ه) جرایم مالی^{۸۷}

به طور سنتی، جرایم مالی شبیه فرار از مالیات، نقض مقررات گمرکی یا پول رایج کشور و ... از زمره استثنائات وارد بر استرداد محسوب می‌شوند. در بعضی معاهدات، استثنائات مربوط، در یک موافقتنامه بعدی بین طرف‌های قرار داد با تعیین طبقه‌های مختلف جرایم مالی مشخص می‌شوند. به هر حال، دیدگاه مدرن‌تری خطر تهدید اقتصاد ملی و خسارت وسیع به بودجه ملی توسط «جرایم یقه سفیدها»^{۸۸} را در نظر دارد و این دیدگاه را که جرایم مالی حقیقتاً جزء جرایمی نیستند که نیازمند اقدام متقابل در یک معیار بین‌المللی باشند، رد می‌کند.

و) شرط عدم تبعیض^{۸۹}

اخیراً اصطلاح «شرط عدم تبعیض» به استثنائات جرایم سیاسی اضافه شده است و بر زمینه بشردوستانه این استثنای سنتی و انطباق آن با محدوده قابل اعمال تأکید می‌کند. قوانین استرداد قدیمی استثنای جرم سیاسی را با شمول این موارد در جایی که به نظر می‌رسد درخواست جهت تحویل بر مبنای یک جرم عادی قرار دارد که در حقیقت برای محاکمه مجرم یا متهم فراری به خاطر یک جرم سیاسی صورت می‌پذیرد، کامل کرده است. کنوانسیون اروپایی استرداد ۱۹۵۷، به عنوان یک مبنا و به اصطلاح مدلی برای دیگر معاهدات و قوانین قرار گرفته که برای اولین بار این قاعده در بند ۲ ماده ۳ خود مقرر داشته است.

ز) مرور زمان^{۹۰}

مرور زمان در اکثر قوانین و معاهدات استرداد پذیرفته شده و مورد تأیید حقوقدانان قرار گرفته است. به طور کلی، یکی از شرایط همکاری قضایی میان کشورها این است که موضوع در کشور

متحد است و بدین طریق آن را در قالب و راستای اعمال تروریستی قرار داده که بالتبع استرداد این قبیل افراد نیز نباید در قالب جرم سیاسی مورد رد واقع شود.

87. Fiscal offences

88. White Collar Crimes

89. The discrimination clause

90. Laps of time

متقاضی عنه شمول مرور زمان اعم از تعقیب یا مجازات قرار نگرفته باشد؛ حال چه در معاهده همکاری قضایی این امر ذکر شده یا نشده باشد؛ چه اینکه مرور زمان جزء قواعد امری حقوق داخلی کشورهاست. چنانچه در یک قانون داخلی مرور زمان جرم و مجازات پیش‌بینی شده باشد، معاهده معاضدت قضایی در برخورد با آن مانع، غیر قابل اجرا خواهد شد.

ح) قاعده «منع تعقیب مجدد»^{۹۱}

قاعده منع تعقیب مجدد یکی دیگر از اصول مربوط به جرم است که هدف از آن اجتناب از استرداد در موردی است که قبلاً در خصوص جرم حکمی صادر شده و اعتبار قضیه محکوم بها را پیدا کرده است. این قاعده صریحاً در ماده ۹ قرارداد اروپایی استرداد آورده شده است.^{۹۲}

ط) جرایم مطبوعاتی

در برخی از قراردادهایی که کشورها با یکدیگر منعقد می‌کنند این نوع جرایم به صراحت استثناء می‌شوند. در ماده ۶ قرارداد اروپایی استرداد به این مطلب اشاره شده است.^{۹۳} در هر حال به نظر می‌رسد که با توجه به طبع این نوع جرایم در بعضی موارد بتوان آن را مشمول جرایم سیاسی دانست. شورای نگهبان، «استثنا نمودن افرادی که مورد تقاضای استرداد از کشور درخواست کننده یا اتباع کشور دیگری باشند را از این جهت که شامل مواردی می‌شود که قوانین آن کشورها ممکن است خلاف شرع باشد، ... خلاف موازین شرع تشخیص می‌دهد».^{۹۴}

۳-۴- درخواست‌های متعدد^{۹۵} یا موازی

قواعد متفاوتی در معاهدات استرداد برای مواردی که درخواست از جانب بیش از یک دولت صورت می‌پذیرد مقرر شده است. چنانچه درخواست‌ها برای جرم مشابهی صورت پذیرد، دولت متقاضی عنه تقدم را به اجابت تقاضایی خواهد داد که ابتدا درخواست شده است. چنانچه

91. *ne bis in idem*

۹۲. قسمت اخیر بند ۳ ماده ۸ چنین مقرر می‌دارد که: «هرگاه جرم ارتكابی ... در خارج (از قلمرو دولت ایران) واقع شده (و) مرتکب در ایران مورد تعقیب و یا محکوم گردیده باشد»، استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد.

۹۳. دور موز ترکان، پیشین، ص ۲۴۰.

۹۴. برای مثال، نک: نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۷ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه.

95. Concurring Requests

درخواست‌ها برای جرایم متفاوت باشد، دولت متقاضی‌عنه، در اتخاذ تصمیم اجابت درخواست‌ها باید شدت جرایم، تابعیت فراری، تاریخ ارائه درخواست و امکان استرداد بعدی به دیگر دولت‌ها را هم مد نظر قرار دهد. موافقتنامه استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، در ماده ۹ اعلام می‌دارد:

«اگر درخواست استرداد یک فرد از سوی چند دولت دریافت شود، طرف تقاضا شونده تصمیم می‌گیرد به کدام درخواست جواب مثبت بدهد.»^{۹۶}

شورای نگهبان «اطلاق (این موارد را) چون شامل مواردی می‌شود که موجب تضییع حقوق دیگران می‌گردد خلاف موازین شرع تشخیص می‌دهد.» اما به نظر می‌رسد تضییع حق زمانی رخ خواهد داد که یا اصلاً به دلیل مورد اشاره شورای محترم نگهبان، متهم اصلاً مسترد نشود و لاجرم بدون مجازات رها گردد و یا اینکه به نوبت به همه کشورهای درخواست کننده به خاطر ارتکاب جرم واحد تحویل داده شود تا هر یک از آنها مجازاتی برای وی مقرر دارند که مورد اخیر خلاف اصل منع مجازات مضاعف می‌باشد.

نتیجه

در این مختصر بر آن بودیم تا در خصوص معاهدات معاضدت قضایی و هنجارهای حقوقی حاکم بر انعقاد آن در مواجهه با نظام حقوقی ایران به بحث پردازیم. به‌رغم ایرادات متعدد شورای نگهبان به معاهدات مذکور در عدم تطابق موارد مورد توافق با موازین شرعی، نهایتاً معاهدات موصوف با رعایت اصول و استانداردهای بین‌المللی خاص حاکم بر اینگونه توافقات و البته با طی روندهای بسیار طولانی، نهایتاً به تصویب رسیده و قدرت اجرایی می‌یابند.

۹۶. ماده ۸ موافقتنامه استرداد ایران و الجزایر مصوب ۱۳۸۴ می‌گوید: «در صورتی که به طور همزمان استرداد یک شخص توسط چند کشور به خاطر جرم واحد یا متفاوت درخواست شود، طرف درخواست شونده با در نظر گرفتن تمام جوانب امر به‌ویژه امکان استرداد بعدی به کشورهای دیگر، تاریخ دریافت‌ها، اهمیت جرایم و محل ارتکاب، تصمیم خواهد گرفت شخص را به کدام کشور تحویل دهد.» اما قانون راجع به استرداد مجرمین ایران در مواد ۹ و ۱۰ به این امر می‌پردازد: «هرگاه چند دولت تقاضای رد مجرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند، شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می‌شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است. هرگاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرایم متعددی شده باشد، شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می‌شود.» تبصره ماده ۱۰ در ادامه می‌گوید: «حق تقدم در ماده ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضا کننده نسبت به رد مجرم می‌نمایند، معین خواهد شد.»

در بیان نقش شورای نگهبان در این خصوص باید گفت: این نهاد در انجام وظیفه قانونی خود مصرح در اصل نود و چهارم قانون اساسی، موظف به بررسی انطباق کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین «اسلام» و «قانون اساسی» است. از جمله این مصوبات، معاهدات معاضدت قضایی هستند. نگارنده گان در این خصوص مواجه با ایراد قانون اساسی از طرف شورای نگهبان به معاهدات مذکور نگردیند، اما به جرأت می‌توان گفت ایراداتی که شورای نگهبان از نظر مطابقت آن معاهدات با موازین اسلام بر آنها وارد می‌نماید، بیشترین موارد ایراد را نسبت به دیگر معاهدات به خود اختصاص می‌دهد.

به طور کلی و با عنایت به دیگر ایرادات شورای نگهبان به سایر معاهدات معاضدت قضایی منعقد با سایر کشورها، مصوب بعد از انقلاب، موضوعات مورد ایراد در قالب‌های زیر قابل توجه است:

۱- قاضی واجد شرایط منصوب،

۲- مصونیت قضایی شاهد یا کارشناس،

۳- امکان خلاف شرع بودن قوانین کشورهای طرف قرارداد،

۴- مخیر بودن در پذیرش دعوت مقام قضایی توسط شاهد یا کارشناس و...

۵- مانع اجرا حکم بر غایب (محکوم علیه حکم غیابی) و ...

به هر حال، معاهدات مذکور پس از ایراد شورای نگهبان به آنها به مجلس بازگردانده می‌شوند که در آنجا به دلیل عدم تأمین نظر شورای نگهبان جهت رفع اختلاف و تأیید مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه می‌گردند. نهایتاً در مجمع پس از بحث و بررسی‌های کارشناسی، با عنایت به مصلحت نظام نظر مجلس تأمین می‌گردد.

«در واقع تفاوت نگرش مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان به مصوبه مورد اختلاف، باعث شده است مجمع تشخیص مصلحت نظام تأسیس گردد. توضیح اینکه با دقت در عملکرد شورای نگهبان از آغاز تا کنون، معلوم می‌شود که این شورا در بررسی‌های خود، فقط به احکام اولیه نظر دارد و به احکام ثانویه و حکومتی توجه نمی‌کند. البته به نظر می‌رسد که این کار پشتوانه قانونی نداشته، بلکه مخالف با اطلاق بعضی اصول قانون اساسی نیز می‌باشد، چرا که اصل نود و یکم هدف از تشکیل شورای نگهبان را پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی دانسته است و روشن است که احکام اسلام تنها در احکام اولیه منحصر نبوده، شامل احکام ثانویه و حکومتی نیز

می‌باشد؛ ولی شیوه شورای نگهبان تاکنون چیزی غیر از این بوده است.^{۹۷}

با عنایت به مطالب فوق، در حالی که مصلحت مورد نظر را می‌توان توسط فقهای که آگاه به زمان نیز می‌باشند، در شورای نگهبان تشخیص داد، چرا این امر در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح گردد. علی‌ای حال پس از سال ۶۸ و بازنگری در قانون اساسی، این وظیفه در تشخیص مصلحت و به عبارتی احکام حکومتی به این مجمع واگذار گردید. البته این امر یک تقسیم بندی قانون‌گذاری است و در اصل مطلب که احکام اولیه، ثانویه و احکام حکومتی هر سه در قلمرو شرع بوده و لذا از حیطة وظایف شورای نگهبان در خصوص اطلاق اصل نود و یکم قانون اساسی خارج نیست خللی وارد نمی‌آورد.

اما به نظر می‌رسد که شورای نگهبان در روند انعقاد معاهدات معاضدت قضایی به چهار اصل اساسی عنایت لازم را مبذول نمی‌دارد. اول اصل وحدت قانون‌گذاری است. در سیستم قانون‌گذاری باید توجه داشت که برای دو دسته اقدام به قانون‌گذاری می‌کنیم. یکی اتباع کشورمان در خارج و دیگری خارجیان مقیم کشور ما. برای هر دو گروه باید به یکسان قواعد لازم تدوین گردند به صورتی که همزمان هر دو را شامل شوند. مثلاً در خصوص احوال شخصیه یا باید قانون ملی ملاک باشد یا قانون محل اقامت و هر کدام که انتخاب گردید، بر هر دو دسته اعمال می‌گردد.

اصل دوم اصل برابری و تساوی حاکمیت قضایی کشورهاست. واضح است که کشورها از جنبه قضایی با یکدیگر برابرند و هیچ کدام را بر دیگری برتری نیست. بنابراین اینکه در تفاسیر شورای نگهبان حاکمیت قانون خارجی حتی در برابر اتباع یا غیر اتباع آن در قلمرو خودش مورد تردید قرار گیرد، صحیح نمی‌باشد. قواعد فقهی ما نیز موید این فرض است. قاعده «لاید للامام فی بلاد الکفر» و نیز «لایقام علی احد حتی بارض العدو» ضمن دلالت بر اصل سرزمینی بودن قواعد، به نوعی بر اصل برابری و تساوی حاکمیت قضایی کشورها نیز صحه می‌گذارند؛ چه اینکه اجازه عدم اجرای حکم کشور اسلامی را در بلاد دیگر تجویز می‌نماید.^{۹۸}

اصل سوم، اصل برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی است. به‌رغم آنچه گفته شد، بعضی از موارد، موضوع مورد توافق در معاهدات مذکور صرفاً از جنبه حاکمیت اراده دو طرف یا طرف‌ها بوده و جزء اصول مذکور در حقوق بین‌الملل در این خصوص محسوب نمی‌شود. اما موادی هم وجود دارد که جزء اصول لازم‌الرعايه در حقوق بین‌الملل است و لذا جزء تعهدات برتر محسوب

۹۷. مرتضی مرندي، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پارسایان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲، ص ۸۳.

۹۸. در این باره ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «حد را نمی‌شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد».

می‌شود. بنابراین رعایت آنها حتی در صورت مخالفت با حقوق داخلی لازم است و آنچه را نیز که جزء اصول حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود، می‌توان در قالب تعهد دو یا چند جانبه جنبه لازم‌الرعایه بین‌المللی قرار داد که در این حالت نیز این تعهد بین‌المللی بر حقوق داخلی برتری خواهد داشت. به هر حال یک اصل قدیمی در این خصوص وجود دارد که مطابق آن، یک دولت نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به عنوان موجبی برای عدم اجرای یک تعهد بین‌المللی استناد نماید.^{۹۹} در این خصوص مسلم است که در سیستم حقوقی ما، شرع نیز از ارکان این سیستم محسوب می‌شود و به نظر با عنایت به اصل و ماده فوق‌الذکر امکان تخطی از تعهد بین‌المللی به دلیل مخالفت شرع با آن وجود ندارد. نهایتاً اصل سرزمینی بودن قوانین است که با اشاره به قواعد فقهی که در این خصوص وجود دارد، به توضیح آن پرداخته شد.

اما در این میان ایرادات شورای نگهبان به معاهدات مذکور تنها برخی از موانع موجود در انعقاد معاهدات معاضدت قضایی را تشکیل می‌دهند اما برخی دیگر از موانع در قالب موانع خارجی جای می‌گیرند. بدین معنا که قطع نظر از فرایند پیچیده داخلی، اساساً برخی از کشورها و به طور مشخص کشورهای اروپایی (مانند یونان، فرانسه، مجارستان و ...) به دلیل نگرش خاص آنها نسبت به اسناد و نهادهای حقوق بشری تعهداتی را برای خود و در رابطه با دیگر کشورها ایجاد کرده‌اند که از آن جمله حذف برخی مجازات‌ها مانند اعدام و مخالفت با مجازات‌های بدنی نظیر شلاق می‌باشد. بدین لحاظ انعقاد موافقتنامه‌هایی که دارای جنبه کیفری است با مشکل مواجه می‌شود. به عبارت دیگر کشورهای مذکور به این علت که در قوانین ایران مجازات‌های مذکور وجود دارد، از همکاری قضایی با جمهوری اسلامی طفره می‌روند.^{۱۰۰} اما مانع خارجی دیگری نیز وجود دارد که

99. Marina Spinedi and Bruno Simma, *United Nations Codification of State Responsibility*, 1987, p. 65.

۱۰۰. «بسیاری از مقررات و قوانین جاری کشور بر مبنای احکام فقهی و فتاوی رایج فقه‌ها به عنوان احکام شرعی تنظیم شده است، ولی تجدید نظر و اصلاح و تفسیر آنها در صورتی که لازم و مصلحت باشد مغایرت و مخالفت با مسلمات شرعی تلقی نمی‌شود، بلکه می‌توان نظرات متفاوت فقه‌های دیگر را نیز منطبق بر مقتضیات زمان و مکان به دست آورد و بر طبق آنها قانون وضع کرد و یا طبع بیان حکم به گونه‌ای است که می‌توان مقطعی بودن و قابلیت انعطاف آن را استنباط کرد. برخی از مسائل مربوط به حضانت، سرپرستی، قضاوت، طلاق و ارث از این قبیل هستند. مثلاً آن دسته از مجازات‌های بدنی هم که نظر شارع بر شمول و دوام آنها نبوده و با تغییر مقتضیات زمان و مکان قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر است یا به مقتضای مصلحت با نظر کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعمال آنها را، موقوف کرده و می‌توان مجازات‌های دیگری از قبیل محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی، زندان، جریمه نقدی، تبعید و ... به جای آن تعیین کرد.» جمشید شریفیان، «راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۸۴۵، به نقل از حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و

شاید ریشه در عملکرد داخلی ما داشته باشد و آن عدم اعتماد و اطمینان برخی از کشورها خصوصاً کشورهای غربی نسبت به سیستم حقوقی و قضایی ایران است. معمولاً ملاک این کشورها در سنجش نظام حقوقی و قضایی دول دیگر گزارش‌های حقوق بشری کمیته‌های مربوط به کنوانسیون‌های حقوق بشری و نمایندگان ویژه کمیسیون حقوق بشر - که اخیراً به شورای حقوق بشر تغییر نام و ساختار داده است - و اظهارات نمایندگان دولت‌ها در مجامع بین‌المللی و از جمله سازمان ملل است.^{۱۱} این عدم اعتماد خود موجب عدم تمایل کشورها در انعقاد معاهدات همکاری قضایی با ایران می‌شود.

اما در خصوص مانع خارجی اول، نتیجه این است که یا اصلاً موافقتنامه‌ای منعقد نمی‌شود و یا در حدودی که قوانین طرف اجازه این همکاری را می‌دهند توافق صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر می‌توانیم در حوزه‌هایی که تعارض قوانین وجود ندارد، به توافق دست یابیم. حال چنانچه اشکال شود که با این کار مجازات‌های اسلامی شلاق، قصاص و ... را کنار می‌گذاریم، چنین پاسخ داده خواهد شد که ما منکر مجازات‌های مذکور در شرع و قانون نیستیم، بلکه در خصوص همکاری در دیگر زمینه‌ها به غیر از مجازات‌های مذکور به توافق خواهیم رسید. منطق نیز راه حل دوم را برخواهد گزید. آیا بهتر است اصلاً همکاری وجود نداشته باشد و یا اینکه به حداقل آن اکتفا کنیم؟ در هر حال به لحاظ عملکردی در موافقتنامه همکاری قضایی میان ایران و سوریه، عملاً طی بندی همکاری قضایی در خصوص جرایم مربوط به مواد مخدر استشنا گردید و شورای محترم نگهبان نیز بر آن صحنه گذاشته است.

اما در خصوص مانع خارجی دوم، تلاش گسترده داخلی در رفع ابهام جهانی از نظام حقوقی

موضوع جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۴.

۱۰۱. به‌رغم برخی اختلاف‌های اساسی و ماهوی بین دیدگاه نظام اسلامی و نگرش حاکم بر اسناد و نهادهای حقوق بشری که ممکن است منجر به صدور قطعنامه در مجامع بین‌المللی علیه کشورهای مدعی دارا بودن سیستم و نظام اسلامی - نظیر ایران - گردد، اما در خصوص کشور ما آنچه جای تعجب دارد و بسا ناگوار است، این است که هم در گزارش نماینده ویژه کمیسیون (سابق) حقوق بشر و هم در اظهارات نمایندگان برخی از دولت‌ها در سازمان ملل بیش از آنکه حکومت ایران به نقض قوانین حقوق بشری متهم گردد، به عدم رعایت اصول قانون اساسی و قواعد دادرسی داخلی خود متهم می‌شود. به نقل از: نامه شماره ۶۸۵-۷۸، مورخ ۱۳۷۸/۲/۸ مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی به رئیس جمهور وقت در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و نامه شماره ۸۰/۳۱۳۵، مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۱ نامبرده به رئیس جمهور در خصوص محکومیت ایران در سازمان ملل به نقض حقوق بشر، مندرج در حسین مهرپور، پیشین، صص ۸۳۶-۸۱۱.

ایران را می‌طلبد. الحاق به کنوانسیون‌های حقوق بشر که حاوی مقرره‌هایی در خصوص اصول مربوط به حقوق جزا و دادرسی‌های عادلانه می‌باشند، می‌توانند محاکم ما را در تضمین و رعایت حقوق بشر، یاری نمایند. به علاوه اینکه معیارهای مذکور قطعاً می‌توانند یاری کننده ما در همکاری‌های قضایی باشند. در این راستا پیوستن به معاهدات مذکور باید با حداقل شرط ممکن صورت پذیرد.

فهرست منابع

۱. آزمایش، علی، مصاحبه انجام شده، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴/۱۱/۲۰.
۲. اردبیلی، محمدعلی، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین (با تأکید بر جرایم مواد مخدر)، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲.
۳. تزکان، دور موز، «استرداد در حقوق ترکیه»، *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ش ۲۸ و ۲۹، ترجمه علی اوسط جاویدزاده.
۴. خالقی، علی، «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳.
۵. شریفیان، جمشید، «راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ش ۱۴، پاییز ۱۳۷۹.
۶. فلسفی، هدایت‌الله، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹.
۷. کنوانسیون لاهه راجع به ابلاغ اسناد قضایی و غیر قضایی در امور مدنی و بازرگانی در خارج، ۱۹۶۵
۸. گیگر، ردولف، «معاضدت قضایی بین دولت‌ها در مسائل کیفری، دایره المعارف حقوق بین‌الملل عمومی»، ترجمه دکتر یحیی اردلان، *مجله حقوقی دادگستری*، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۲۴.
۹. مرندی، مرتضی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات پارسایان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲.
۱۰. مهرپور، حسین، *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران*.
۱۱. نیک‌انجام، شهناز، «استرداد مجرمین»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۲۳، بهمن ماه ۱۳۶۶.
12. Agreement between the government of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and the government of the co-operation Republic of Guyana on the Transfer of Prisoner. Article 1.
13. Balasubramanian, Peter, and Cynthia Tape, "Obtaining Evidence in Canada for Use in Foreign Proceedings: Principles and Practice", *NYSBA International Law Practicum*, Spring 2004, Vol. 17, No. 1., access at: <http://www.torlys.com/publications/pdf/ARTech.44t.pdf>.
14. Biles, David, "The International Transfer of Prisoners", *Aus TRALAN INSTITUTE OF CRIMINOLOGY*, July 1992.
15. Canadian Extradition Act, 1999
16. Combacau, J., S. Sur, *Droit international public*, Monchrestien, 1995.

17. European Convention on the Transfer of Proceeding in Criminal Matters, Strasbourg, 15 May 1972, Article 8.
18. Gardoki, L., "Mezhdunorodnoe Sotrudnichestvo Po Ugolovnym delma" (1979) 6 Sotsialistiches Kaia Zakonnost 62.
19. Geiger, Rudolf, "Legal Assistance", International Law Encyclopedia, vol. 9, Amesterdam, Elsvico, 1985.
20. Ginsburgs, George, "The Soviet Union and International Co-operation in Penal Matters", *International and Comparation Law Quarterly*, Vol. 41, part 1, January 1992.
21. <http://aic.gov.au/publication/tandi/ti38.pdf>
22. <http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/NO1/551/43/PDF/NO155143.pdf?openElement>
23. <http://en.wikipedia.org/wik/service-of-process>
24. <http://vienna.usambassy.gov/en/embassy/cons/depose.htm>.
25. [http://www.ag.gov.au/adg/www/rwpattach.nst/viewasattachmentpersonal/\(CFD7369FCAE9B8F32F341DBE09780IFF\)~Privacy+International+ Prisoners.pdf/\\$file](http://www.ag.gov.au/adg/www/rwpattach.nst/viewasattachmentpersonal/(CFD7369FCAE9B8F32F341DBE09780IFF)~Privacy+International+ Prisoners.pdf/$file).
26. http://www.lbx.com/en/Rogatory_letters.htm
27. <http://www.rcmp-grc.gc.ca/intpolicing/centralauth-e.htm>
28. "New Problems of Extradition", Resolution of The Institute of International Law, session of Cambridge 1983, accessed at: <http://www.idi-iil.org/idiE/resolutionsE/1983-camb-03-en.pdf>.
29. Oppenheim, L., *International Law*, Vol. 1.
30. Spinedi, Marina, and Bruno Simma, *United Nations Codification of State Responsibility*, 1987.
31. Stein, Torstn, "Extradition", *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 8.
32. The Extradition of Nationals: Comments on the Extraditon Request for Alberto Fujimori, GERMAN LAW JOURNAL, No. 11 (1 November 2003), accessed at: <http://www.germanlawjournal.com/article.pdf?id=334>
33. Treaty with the Philipines on Mutual Legal Assisstance in Criminal Matters, Report, July 30, 1996, accessed at: <http://www.lawphil.Net/international/treaties/mutleg.html>
34. UN Model Treaty on the Transfer of Proceeding in Criminal Matters, New York, 14 December 1990, Article 5.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of “Combatant” in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study